

درس اول: هدف آفرینش

نکته: کلیم بودن خداوند ^{موجب} حضور هدف در پس خلقت هر موبود و عدم بیهودگی آفرینش
 حق بودن آفرینش
 فلق هر موبود بر اساس برنامه‌ای حساب شده

"وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ مَا خَلَقْنَا هُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ" ^{معلول} ^{علت}

- ۱- بازی و سرگرمی نبودن آفرینش و عدم بیهودگی آن (لَاعِبِينَ)
 - ۲- هدفمندی خلقت و حضور هدفی حکیمانه در پس خلقت هر موجود (حَقِّ)
- امام علی (ع): "هیچ کس بیهوده آفریده نشده تا خود را سرگرم کارهای لهو کند..."

نکته + : اگر در هر آیه‌ای برای پیروی، کلمات حق، باطل، عبث به کار رفت: الف) حضور حکمت الهی ب) هدفمندی و عدم بیهودگی آن پیرو
 حق باطل، عبث، لاعبین

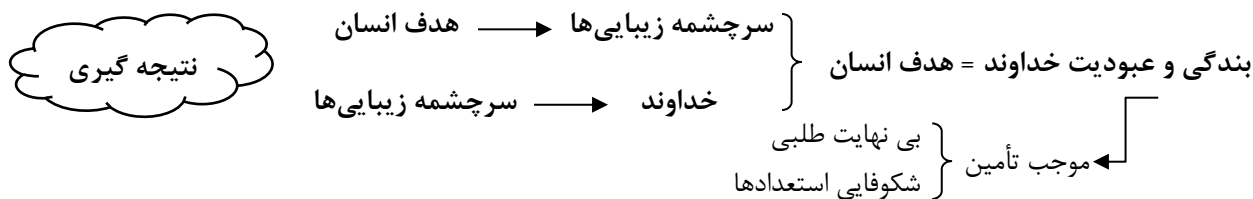
* تفاوت رسیدن انسان به اهدافش با گیاهان و حیوانات:

- ۱- انسان ← خود اهداف را انتخاب می‌کند، گیاهان ← طبیعی، حیوانات ← غریزی
 - ۲- بی‌نهایت طلبی انسان ← ^{موجب} به دنبال اهداف پایان ناپذیر باشد. حیوانات و گیاهان ← اهداف محدود دارند که به سر حد کمال برسد پایان می‌یابد.
 - ۳- اهداف انسان در جهت شکوفایی استعدادهای متنوع مادی و معنوی اوست.
- نکته: منشأ اختلاف در اهداف انسان‌ها، نوع بینش و نگرش آنهاست.

* برای انتخاب هدف صحیح: الف) ارزش اهداف مشخص شود. ب) رتبه‌بندی گردند ← به دست آوردن معیار و ملاک برای تشخیص هدف درست

- اهداف فرعی ← پایان پذیر ← مال و ثروت
 - اهداف اصلی ← پایان ناپذیر ← خیر خواهی
- هر دو ضروری برای زندگی

نکته: هدف فرعی را نباید به جای هدف اصلی قرار دهیم (در اهداف فرعی)



"چون که صد آمد نود هم پیش ماست"

* افراد زیرک ← با بندگی خدا ^{هم} از بهره‌های مادی زندگی استفاده می‌کنند
 سرای آخرت خویش را آباد می‌کنند.

"مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ"

- ۱- هر چه هدف جامع‌تر ← در برگیری اهداف بیشتر
- ۲- رسیدن به خدا موجب تحقق تمام اهداف دنیوی و اخروی است ← زیرا سرچشمه همه‌ی کمالات است.

ای دوست کز بهتر یا آنکه کمر سازد
 خوبی قمر بهتر یا آنکه قمر سازد
 رسیدن به خدا همت بزرگ و اراده
 محکم می‌طلبد

درس دوم: پرپرواز

- اولین گام برای حرکت به سمت هدف خلقت — شناخت سرمایه‌ها و موانع انسان است. (علّت)

- خودشناسی از سودمندترین دانش‌هاست (معلول)

سرمایه‌های انسان

خداوند با دادن نعمت‌های مادی و معنوی به انسان — **او را گرامی داشته و به او کرامت بخشیده است.**
 آنچه در آسمان و زمین است برای انسان آفریده است. = جایگاه ویژه انسان

- ۱- قوه عقل
 - مسیر درست زندگی را از راه‌های غلط و خوب را از بد تشخیص دهیم
 - حقایق را دریابیم و از جهل دوری کنیم
 - درست و حق را از نادرست و باطل تشخیص دهیم
 - منع از خوشی‌های زودگذر
- ۲- قوه اختیار
 - مسئولیت در مقابل سرنوشت
 - انتخاب راه رستگاری و دوری از شقاوت (با کمک قوه عقل)
- ۳- گرایش به نیکی
 - شناخت و روی آوردن به نیکی و شناخت و دوری از بدی
 - دوست داشتن فضائل و بیزاری از رذائل
- ۴- نفس لوامه = وجدان
 - واکنش در مقابل گناه — که عامل آن گرایش به نیکی است
 - سرزنش خود بعد از ارتکاب گناه
 - در اندیشه جبران برآمدن
 - بازداری از راحت طلبی
- ۵- فرستادگان
 - پیامبران - پیشوایان - کتاب
 - نشان دادن راه سعادت
 - کمک در پیمودن آن

"إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا"

"وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا"

"وَلَا أَفْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ"

"رُسُلًا مَّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ..."
 "وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ"

نکته: هدف و مسیر حرکت هر کس با توانایی‌ها و سرمایه‌هایش هماهنگی دارد. — هدف ما باید به وسعت سرمایه‌هایمان باشد

موانع انسان

- ۱- نفس اماره
 - عامل درونی گناه و میل سرکش انسان
 - دعوت به گناه
 - کار { مانع پیروی از عقل و وجدان
 - عامل بیرونی گناه
 - خود را برتر از آدمیان می‌داند
 - فریب فرزندان آدم
 - سوگند او — جلوگیری از رسیدن آن‌ها به بهشت
- ۲- شیطان
 - کار و راه نفوذ — وسوسه کردن و فریب دادن انسان
 - راه‌های فریب { غافل کردن از خدا و یاد او — زیبا و لذت‌بخش نشان دادن گناه
 - { سرگرم کردن به آرزوهای دنیایی — ایجاد کینه و دشمنی میان مردم
 - جلوگیری از نفوذ او — نماز

امام علی (ع): دشمن ترین دشمن تو — نفس اماره

نکات مکالمه‌ی جهنمیان و شیطان در روز قیامت:

۱- خداوند به شما وعده‌ی حق داد، اما من به شما وعده‌ای دادم و خلاف آن عمل کردم.

۲- من بر شما تسلطی نداشتم (اختیار انسان) — شیطان تنها دعوت کننده است.

۳- نه من می‌توانم به شما کمکی کنم و نه شما می‌توانید مرا نجات دهید.

*چیزیست مرگ و آینده انسان پس از آن، از پرسش‌های فراگیری است که ذهن عموم انسان‌ها را مشغول خود کرده است.

- بعد جسمانی (غیر مجرد) ← تغییر و دگرگونی دارد - فرسوده و متلاشی می‌شود

- بعد روحانی (مجرد) — تجزیه و تحلیل نمی پذیرد - متلاشی نمی شود - آگاهی خود را از دست نمی دهد

- مرگ غروبی برای جسم و طلوعی درخشان‌تر برای روح است.

- رسول خدا (ص)

* برای نابودی و فنا خلق نشده‌اید بلکه برای بقا آفریده شده‌اید و با مرگ از جهانی به جهان دیگر منتقل می‌شوید.

* باهوش‌ترین مؤمنان کسانی هستند که فراوان به یاد مرگ‌اند و خود را بهتر از دیگران برای آن آماده می‌کنند.

* "النَّاسُ نَامٌ، فَإِذَا مَاتُوا، انْتَبَهُوا" ← ہے، ارزشی دنیا در مقابل سرائ حقیقی، آخرت

"وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ"

۱- دنیا ← بازی و سرگرمی ، آخرت ← سرای راستین و حقیقی

۲- بهترین مقایسه‌ی قرآنی و ملکوتی در مورد دنیا و آخرت ← دعوت قرآن به تفکر در آن

پیامدهای این دیدگاه

(الف) ایجاد شور و نشاط و انگیزه‌ی کار و فعالیت - داشتن انرژی فوق العاده و همت خستگی ناپذیر - تلاش و توان بسیار برای خدمت به خلق خدا (زیرا می‌داند

هر چه در این راه پیش رود آخرتش زیباتر است) - اعتقاد به آن که هیچ کاری بی پاداش نمی ماند (حتی اگر آن کار به چشم کسی نیاید)

عَلَّتْ^١ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا قُلًا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^٢

مَعْلُول توحيد عملی

(ب) نترسیدن از مرگ و آمادگی برای فداکاری در راه خدا ← شجاعت به مرحله‌ی عالی خود می‌رسد و فداکاری در راه خدا ضروری می‌شود.

* امام حسین (ع):

- من مرگ را جز سعادت و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری نمی بینم.

معلول
عَلَت
- مَرِگ پَلی است که شما را از ساحل سختی‌ها به ساحل سعادت و کرامت و بهشت‌های پهناور و نعمت‌های جاوید عبور می‌دهد. پس کدام از شما کراحت دارد
معلول
عَلَت

از زندان به قصر منتقل شود.

(۲) انکار، معاد

- حقیقت انسان جسم و تن اوست. - مرگ پایان زندگی و با آن پرونده اعمال بسته و انسان رهسپار نیستی می شود.

"وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ"

۱- یکی از جلوه‌های انکار معاد، محدود دانستن حیات آدمی به زندگی دنیاست.

۲- مرگ، پایان آدمی و عامل بسته شدن پیونده زندگی انسان است. (دیدگاه منکران)

۳- علم اندوزی از عوامل اعتقاد به معاد و تکیه بر شک و گمان و عقاید خرافی عامل انکار معاد می باشد.

پیامدهای این دیدگاه

(الف) بیش گرفتن راه غفلت از مرگ و سرگرم کردن خود به هر کاری برای فراموش کردن آینده تلخ مرگ — به خاطر میل به جاودانگی

نکته : این پیام‌ها دامن کسانی که اعتقاد قلبی به معاد ندارند را می‌گیرد. — فرو رفتن در هوس‌ها و معبود گرفتن دنیا علت غفلت از یاد آخرت است.

(ب) گروهی که نمی‌توانند فکر مرگ را فراموش کنند:

- بی ارزش شدن زندگی، چند روزہی دنیا

- کناره گیری از دیگران و دچار شدن به انواع بیماری های روحی - قدم گذاشتن در راه هایی برای تسکین خود، که بر سرگردانی آن ها می افزاید.

درس چهارم: آینده روشن

پیامبران، با قاطعیت از آن خبر و نسبت به آن هشدار داده‌اند.
 بعد از ایمان به خدا ایمان به آخرت مطرح شده (لازمه ایمان به خدا) ————— «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...»
 بعد از توحید بیشترین صحبت در قرآن، در مورد معاد است

"اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَ بَيْنَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا"
 توحید معاد جسمانی رفع هر گونه شک اثبات وجود معاد با تکیه بر صداقت خدا
 و روحانی در مورد معاد

الف) امکان معاد

— یکی از دلایل انکار معاد ————— مقایسه‌ی قدرت خود با خداوند و بعید شمردن آن ————— بعید بودن چیزی برای انسان دلیل غیر ممکن بودن آن نیست
 — دلایل اثبات امکان معاد (زنده شدن مجدد جسم):

۱- اشاره به پیدایش نخستین انسان

«و برای ما مثالی زد، در حالی که آفرینش نخستین خود را فراموش کرده بود، گفت: کیست که این استخوان‌های پوسیده را دوباره زنده کند؟ بگو همان خدایی که برای نخستین بار آفرید و او به هر خلقی تواناست.»

۲- اشاره به نمونه‌هایی از زنده شدن مردگان ————— برای محسوس‌تر نشان دادن قدرت خدا در امر امکان معاد

— عزیز نبی (ع): می‌دانم خدا بر هر کاری تواناست

— قرآن کریم: نه تنها استخوان‌های آن‌ها را به حالت اول در می‌آوریم بلکه سر انگشتان آن‌ها را نیز همان‌گونه که بوده، مجدداً خلق می‌کنیم.

۳- اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت

— زندگی بعد از مرگ به عنوان یک جریان رایج در جهان طبیعت معرفی شده است ————— دستور قرآن به مطالعه این جریان

— فرا رسیدن بهار، رستاخیز طبیعت است

— قرآن کریم: خداست که باها را می‌فرستد تا ابر را برانگیزد. سپس آن را به سوی سرزمینی مرده برانیم....

ضرورت معاد در پرتوی حکمت الهی
 عبتا - باطلاً - حق
 محال نبودن آن
 حکمت خداوند قرار دادن تمایلات در انسان و پیش‌بینی راه‌های پاسخ‌گویی به آن تمایلات، بجز میل به جاودانگی دوری از کار عبث و بیهوده میل به کمالات نامحدود

پس اگر سرای آخرتی نباشد که پاسخ این دو میل داده شود بر حکمت خدا ایراد وارد می‌شود. نمی‌شود این همه استعدادی که خداوند در وجودمان گذاشته بی‌جواب بماند.
 "أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ"
 واقعه‌ی قیامت

"اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَ بَيْنَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا"

* ضرورت معاد در پرتوی عدل الهی * عادل یکی از صفات خداوند ————— استواری جهان بر پایه‌ی عدل = استحقاق هر شخص

رسول خدا (ص): "بالعدل قامت السماوات والأرض"

* تحقق عدل الهی در زندگی دنیا امکان‌پذیر نیست، زیرا:

الف: همه در این دنیا به پاداش و جزای اعمال خود نمی‌رسند.

ب: دنیا ظرفیت ادای پاداش و کیفر انسان‌ها را ندارد.

"أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ"

هر آیه‌ای که بحث از عدالت الهی باشد مانند: "وهم لا يظلمون"

درس پنجم: منزلگاه بعد

برزخ
 در لغت: حد فاصل، در بینش دینی: عالم میان دنیا و آخرت
 ویژگی‌ها: وجود شعور و آگاهی ————— ادامه فعالیت آگاهانه روح ————— جسم در دنیا می‌ماند = توفی
 افزایش درک و آگاهی { صحبت با فرشتگان سخن پیامبر به کشته شدگان جنگ بدر }
 باز بودن پرونده اعمال (شباهت دنیا و برزخ)

" حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحاً فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ "

- ۱- با تحقق توفی (ویژگی ۱) گرچه فعالیت جسم متوقف می شود اما فعالیت آگاهانه روح ادامه می یابد و آدمی به کاستی های اعمال خود آگاه می شود. (ویژگی ۲) ← درخواست به بازگشت به دنیا
- ۲- فرق دنیا و برزخ ← ۱. امکان بازگشت نیست ۲. در برزخ انسان توانایی انجام عمل صالح جدید را ندارد
- ۳- حد فاصل دنیا و برزخ ← ۴- روز قیامت

* اعمال ما تقدم و ما تأخر ← عامل باز بودن پرونده اعمال

گناهان ما تأخر: مد سازی های غلط، تولید و نشر مطالب نا مناسب، ایجاد آداب و رسوم غلط در ازدواج، ایجاد انحرافات فکری و اخلاقی در دیگران

* رسول خدا (ص): «هر کس سنت و روش نیکی در جامعه جاری سازد..... بدون اینکه از اجر انجام دهنده ی آن کم کنند و هر کس سنت زشتی بین مردم مرسوم کند..... بدون اینکه از گناه عامل آن، کم کنند»

" يَنْبَأُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ " ← ویژگی ۳ برزخ قیامت

* برزخ در کلام پیشوایان

- رسول خدا (ص): قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان (مردگان) به این کلام از شما شنواترند و فقط بر پاسخ دادن توانا نیستند ← دوره برزخ دوره ی آگاهی و هوشیاری بیشتر است. (ویژگی دوم برزخ)
- امام کاظم (ع): هر یک از مومنان برحسب مقدار فضیلت ها (کمیت اعمال) به دیدار خانواده ی خود می آیند برخی هر روز و برخی هر دو روز، برخی هر سه روز، و کمترین آنها هر جمعه ← روح مومن در برزخ از احوال خانواده اش باخبر است. (ویژگی دوم برزخ)

درس ششم: واقعه ی بزرگ

الف) مرحله ی اول ← با پایان یافتن دنیا آغاز می گردد.

۱- شنیده شدن صدای مهیب } آسمان و زمین را فرا می گیرد

۲- مرگ اهل آسمان و زمین } همه را غافلگیر می کند ← چون ناگهانی است

۳- تغییر در ساختار زمین و آسمان } جز آن ها که خداوند خواسته است

اتفاقات } بی نور شدن خورشید

تیره شدن ستاره ها

تبدیل آسمان و زمین

زبان کشیدن آتش از دریاها

متصل شدن دریاها به هم

آماده شدن انسان ها برای دریافت پاداش و کیفر

۱- زنده شدن همه انسان ها } بعد از شنیده شدن صدای مهیب دیگر

حیات مجدد انسان ها و حضور در پیشگاه الهی

وضعیت گناهکاران } به دنبال راه فرار

هراسان بودن دل هایشان

به زیر افکنده شدن چشم هایشان از ترس

۲- کنار رفتن پرده از حقایق عالم } با تابیدن نور حقیقت

اسرار و حقایق عالم آشکار می شود

واقعیت همه چیز (اعمال، رفتار، نیت) آشکار می گردد

حوادث تلخ و شیرین معلوم می گردد

۳- برپا شدن دادگاه عدل الهی

- با آماده شدن صحنه قیامت ← رسیدگی به اعمال آغاز می شود

- اعمال در ترازوی عدل الهی سنجیده می شود ← حتی اگر ذره ای ناچیز باشد

- معیار و میزان سنجش اعمال ← پیامبران و امامان ← چون اعمالشان عین آن چیزی است که خداوند دستور داده است

ارزش افزون اعمال = نزدیک بودن به اعمال پیامبران و امامان

۴- دادن نامه اعمال ————— نیکوکاران ————— دست راست، بدکاران ————— دست چپ

نامهای دنیوی ————— گزارش و تصویر اعمال

نامهای اخروی ————— خود عمل و حقیقت آن ————— اعمال تجسم می شود

- کارهای خوب : صورت های زیبا و لذت بخش
- کارهای بد : صورت های بسیار زشت و وحشتناک و آزار دهنده

۵- حضور شاهدان و گواهان

الف) پیامبران و امامان { بهترین شاهدان ————— رسول خدا در رأس شاهدان

ناظر و شاهد اعمال انسان

ب) فرشتگان الهی { مراقب انسان ها

ثبت و ضبط اعمال

"وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ"

ج) اعضای بدن انسان ————— با سوگند دروغ بدکاران برای رهایی از مهلکه

با اذن خداوند به همراه مهر خاموشی بر دهان گناهکاران

گفته گناهکاران به اعضای خود: چرا علیه ما شهادت می دهید؟

"الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ"

اندیشه و تحقیق

اعمال ما چه شاهدان دیگری در قیامت دارد؟ خدا شاهد اعمال ماست. پیامبران و امامان نیز شاهدند. فرشتگان و اعضای بدن شاهد دادگاه عدل الهی هستند. مطابق آیات قرآن، زمان و مکان، زمین و آسمان، خورشید و ماه و ستارگان و حتی قرآن، شاهدان دادگاه خداوند می باشند.

درس هفتم: فرجام کار

* بهشت

- نیکوکاران و رستگاران پس از پایان حسابرسی وارد آن می شوند.

- بهشت هشت در دارد ————— یک در مخصوص پیامبران و صدیقان، یک در مخصوص شهیدان و الباقی برای گروه های دیگر

- فرشتگان به بهشتیان سلام می کنند و می گویند: «خوش آمدید، وارد شوید و برای همیشه در آن زندگی کنید»

- سپاس بهشتیان ————— عملی شدن وعدهی خداوند ————— عطا کردن بهشت به آنها

- سپاس بهشتیان ————— زدودن حزن و اندوه از آنها و رسیدن به مقام خشنودی خدا (بالاترین نعمت بهشت)

- هر یک از بهشتیان در درجهی خاصی از بهشت اند.

- گفته بهشتیان : سبحان الله

- هیچ نقصان، اندوه، غصه ... در بهشت نیست ————— سرای سلامتی (دار السلام)

- دوستان و همنشینان انسان ————— پیامبران، راستگویان، شهیدان و نیکوکاران (نیکو همنشینان) ————— فرشتگان هم نشین نیستند!!!

* جهنم

- دوزخیان گروه گروه به سوی جهنم رانده می شوند ————— پس از محاکمه

- آتش جهنم از درون جان انسان ها شعله می کشد ————— چون حاصل عمل خود آنهاست

- علل ناله حسرت دوزخیان:

۳. همراهی بدکاران در معصیت

۲. دستگیری نکردن از محرومان

۱. نماز نخواندن

۶. عدم انتخاب دوست مناسب

۵. عدم فرمانبرداری از خدا

۴. تکذیب روز رستاخیز

مکالمه ها:

۱- جهنمیان با خدا

الف: شقاوت بر ما چیره شد، ما مردمی گمراه بودیم ما را از اینجا بیرون بر که اگر بازگردیم عمل صالح انجام می دهیم.

ب: در دنیا مگر به اندازه ی کافی عمر ندادیم؟، اگر برگردید همان راه گذشته را در پیش می گیرید.

۲- شیطان با جهنمیان

الف: بزرگان ما و شیطان سبب گمراهی ما شدند.

ب: شیطان: «خدا به شما وعده ی راست داد ولی من به شما وعده ی دروغ دادم - من فقط شما را فراخواندم- خود را ملامت کنید.»

۳- جهنمیان و فرشتگان

الف: درخواست تخفیف از فرشتگان

اثبات کننده ی اختیار انسان در استفاده

ب: مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟ ← از هدایت الهی "إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ..."

* رابطه میان عمل و پاداش و کیفر

۱- قراردادی : مثال : هرکس مرتکب جرمی شود مطابق با قوانین جزایش مشخص می گردد
نکته : این قوانین قابل تغییراند و آنچه اهمیت دارد تناسب بین عمل و پاداش و کیفر است تا عدالت برقرار گردد

۲- محصول طبیعی خود عمل : مثال : سیگار کشیدن = بیماری

نکته : در این مورد پاداش و کیفر غیر قابل تغییراند و انسان می بایست خود را با آنها هماهنگ کند

۳- رابطه ی عینی و حقیقی یا تجسم اعمال

از تمام روابط عمیق تر و کامل تر است

خود عمل پاداش یا کیفر

ابعاد عمل (مادی و ظاهری) ← ز بین می برد

(باطنی و غیبی) ← در نفس و روح باقی می ماند

"إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا"

عاقبت مخاطب آیه

* رسول خدا (ص):

همنشین انسان در رستاخیز ← کردار انسان نیک بودن آن ← انس انسان موجب بد بودن آن ← وحشت انسان

درس هشتم: آهنگ سفر

* سرنوشت ابدی انسان ها بر اساس رفتار آنان در دنیا تعیین می شود ← لزوم برنامه ریزی برای رسیدن به هدف خلقت

* برنامه ریزی : (۱) تصمیم و عزم برای حرکت (۲) عهد بستن با خدا (۳) مراقبت (۴) محاسبه و ارزیابی

۱- تصمیم و عزم برای حرکت

- عزم به معنای اراده و قصد است ← عملی ساختن انتخاب ها ← لتمان: و اصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور
- استواری بر هدف + شکیبایی و تحمل سختی = آثار عزم قوی
- عزم ضعیف : - تاب نیاوردن در برابر تندباد حوادث
- عزم قوی : - نسیپردن سرنوشت به دست حوادث
- داستان زندگی پیامبران

امام کاظم (ع) : خدایا می دانم بهترین توشه مسافر کوی تو عزم و اراده ای است که با آن خواستار تو شده باشد.

۲- عهد بستن با خدا

- کسی که راه سعادت را انتخاب می کند ← با خداوند پیمان می بندد

بندگی خداوند = رضایت خدا = راه سعادت

تایم بندی } عهد بستن ← بعد از نماز، شب های قدر، شب یا روز جمعه
تکرار عهد برای استحکام ← آخر هفته، آخر هر ماه، شب های قدر

۳- مراقبت

- وفای بر عهد ← رضایت خدا، شکستن پیمان ← شرمندگی در برابر خدا

امام علی (ع) : گذشت ایام، آفاتی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیم هاست.

علت معلول

- کسی که با خدا عهد می بندد مراقب است :

الف- تصمیم خود را فراموش نکند ب- عوامل سست کننده را دور کند

۴- محاسبه و ارزیابی

- ۱- میزان موفقیت به دست آید
- ۲- عوامل موفقیت یا عدم موفقیت معلوم شود
- موفقیت در عهد — سپاس‌گزاری از خدا (زیرا پشتیبان ما بوده است)

- سستی در عهد ← باید ۱- سرزنش خود ۲- طلب بخشش از خدا ۳- عهد بستن مجدد با خدا
- پیامبر (ص): به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند.

تایم‌بندی } رسیدگی به کارها: هر شب، پایان هفته

مرور برنامه: سالی یک بار (بهترین تایم شب‌های قدر است)

* امام علی (ع): زیرک‌ترین انسان‌ها — کسی است که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.

* ضرورت داشتن اسوه:

۱- به ما اثبات می‌کند راه انتخابی موفقیت‌آمیز است

۲- می‌توان از تجربه‌ی آنان در این راه استفاده کرد

۳- مهم‌ترین دلیل ضرورت — می‌توان با کمک گرفتن از آن‌ها سریع‌تر به هدف رسید

* رسول خدا بهترین الگوها — "لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ"

نکته ۱: اسوه بودن رسول خدا در مواردی است که همواره برای بشر فوب است (مانند برنامه‌ریزی و تقسیم زمان) — نه در مورد مواردی که به طور طبیعی و با تمولات صنعتی تغییر می‌کند.

نکته ۲: رسول خدا اسوه کامل است و ما باید در هر توان از ایشان پیروی کنیم.

نکته ۳: دفتر برنامه‌ریزی باید دارای بخش‌های معین باشد تا بتوان به راحتی آن‌ها را پیگیری کرد و در آن اصلاحات لازم را به عمل آورد.

اندیشه و تحقیق

چرا در میان موجودات فقط انسان ممکن است زمان هدر رفته داشته باشد؟ انسان دارای قدرت تفکر و تعقل و اختیار است: نسبت به دیگر موجودات هدف‌والاتری دارد و آن رسیدن به سعادت اخروی و تقرب الهی است؛ در نتیجه باید در زندگی برنامه‌ریزی داشته باشد یعنی هم به فکر دنیا باشد و هم به آخرت اهمیت دهد، اما برخی در اثر تنبلی و ندانم کاری، از فرصت هایشان به طور صحیح استفاده نمی‌کنند و اتلاف وقت می‌کنند.

درس نهم: دوستی با خدا

* محبت و دوستی سرچشمه بسیاری از تصمیم‌ها و کارهای انسان است — دلبستگی‌ها و محبت‌ها به زندگی جهت می‌دهد

* امام علی (ع): ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست می‌دارد.

هرگز کرده چمن آبی، آبی

این نکته ریز اگر بدانی، دانی

* محبت به خدا — نتیجه‌ی ایمان به اوست — "وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ"

- عشق و محبت الهی — افسردگی، ترس و یأس را از بین می‌برد

محبت الهی — تنبل را چالاک، بخیل را بخشنده، کم‌طاقت را صبور و خودخواهی را به ایثار تبدیل می‌کند

عشق به خدا — چون اکسیر مرده را حیات بخشیده و زندگی حقیقی (الحیوان) را به وی عطا می‌کند

* امام صادق (ع): قلب انسان حرم خداست، در حرم خدا غیر از خدا را جا ندهید.

"وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ"

۱- مخاطب آیه کسانی هستند که در عشق و محبت به خدا شریک می‌گذارند (حرم دل را از غیر خدا جا می‌دهند)

۲- هر کس می‌خواهد قلبش را خانه خدا کند باید شیطان و امور شیطانی را از آن دور کند.

* راه‌های افزایش محبت به خدا

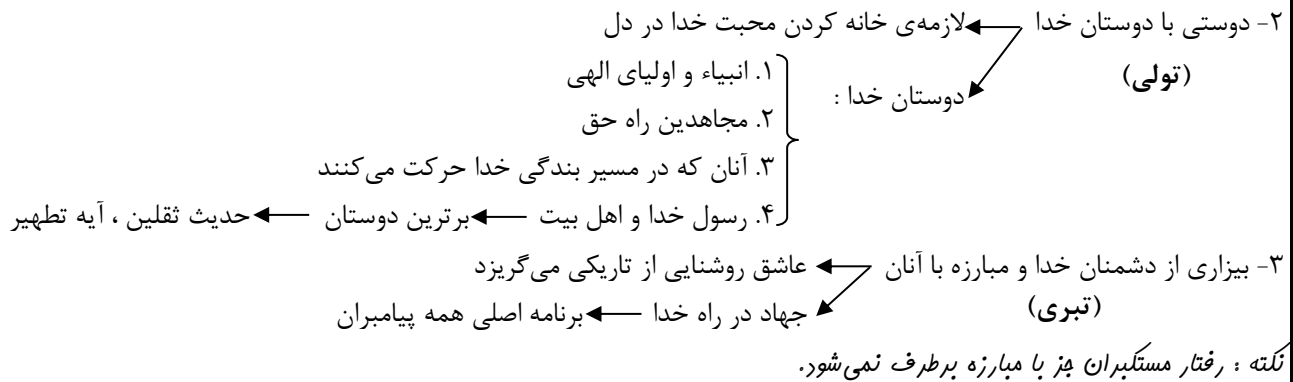
۱- پیروی از خداوند — عمل به دستوراتش که توسط پیامبر ارسال شده است

(تولی) — امام صادق (ع): «مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ عَصَاهُ»

" قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ "

پیامبر (ص)

- ۱- پیروی از رسول خدا عین پیروی از خداست = توحید عملی
- ۲- آیه در رد کسانی است که می گویند : قلب انسان با خدا باشد کافی است عمل به احکام ضروری نیست.
- ۳- بهره‌مندی از محبت خدا و آمرزش گناهان معلول پیروی از اوست



" لا اله " → بیزاری از باطل → تبری = تولی ← دوستی با خدا ← الله الا

امام خمینی (ره) : باید مسلمانان فضای سراسری عالم را از عشق و محبت نسبت به ذات حق (وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ) و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند.

* امام سجاد (ع) : خدایا!!!

- هر کس لذت دوستی ات را چشیده باشد ← غیر تو را اختیار نکند
- آن کس که با تو انس گیرد ← لحظه‌ای از تو روی گردان نشود
- دوست داشتنت را از خودت خواهانم

اندیشه و تحقیق

چگونه می توان دریافت که در دوستی با خدا و دشمنی با بدی ها صادق هستیم؟ نشانه دوستی با خدا، غیر از پیروی خدا، ابراز بیزاری و حتی مبارزه با دشمنان خداست. با دشمنان خدا دوست نباشیم. بیزاری خود را به آن ها نشان دهیم. زیرا تولی، باید تبری را به همراه داشته باشد. پس کسی که دشمنان خدا را دوست دارد، دوست خدا نیست.

درس دهم: یاری از نماز و روزه

* انسان با عمل به احکام خداوند می تواند در مسیر عبودیت خداوند قدم بردارد.

* انسان دوست دارد حکمت و علت احکام الهی را بداند و با معرفت آن ها را انجام دهد.

تقوا : - ثمره مشترک نماز و روزه - به معنای حفاظت و نگهداری

امام علی (ع) :

- مَثَلُ انْصَانِ هَی بَی تَقْوَا ← مثل سوارکارانی که سوار بر اسب های چموش و سرکش اند.

- مَثَلُ انْصَانِ هَی بَی تَقْوَا ← مثل سوارکارانی که سوار بر اسب های راهور و رام اند.

نماز

ستون خیمه‌ی دین و نشانه وفاداری به عهد خود با خدا

عامل ورود اسلام به جامعه و خانواده

موجب می شود انسان دست به هر کاری نزند و از گناهان دوری کند

۱. تداوم ۲. میزان دقت توجه ← عوامل اثرگذاری نماز

"...وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ "

توحید عملی

۱- آثار نماز (به ترتیب): دوری از گناه - یاد خدا (ثمره‌ی مهم تر)

۲- اعلام آگاهی خداوند بر اعمال دنیوی انسان ها

* عوامل از بین برنده‌ی اثر نماز:

۱- ناراحت کردن پدر و مادر امام صادق (ع) : فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند....

- ۲- غیبت کردن پیامبر (ص): «هر کس غیبت مسلمانی را کند تا چهل روز نماز و روزه اش قبول نمی شود، مگر آنکه غیبت شده او را ببخشد. نکته: اگر نماز ما را از گناه باز ندارد، اشکالی در آن است.
- امام صادق (ع): به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه شود، این نماز قبول شده است.
- * میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدف، به میزان خود نگهداری و تقوای او بستگی دارد.

برخی از نجاسات عبارتند از:

- ۱- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.
- ۲ و ۳- ادرار و مدفوع انسان و حیوان های حرام گوشتی که خون جهنده دارند.
- ۴- مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.
- ۵ و ۶- سگ و خوک، زنده و مرده آنها نجس است.
- ۷- کافر (یعنی کسی که به خدای یگانه اعتقاد ندارد).
- ۸- شراب و هر مایع مستی آور، نجس است.

روزه } با آمدن ماه رمضان جوامع اسلامی حال و هوای معنوی پیدا می کنند
 {مصدق کامل ترین صبر و پایداری (تقوا)
 "یا ایها الذین آمنوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصَّیَامُ کَمَا کُتِبَ عَلَی الذِّینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ"
 مخاطب آیه ۱ ۲ ۳

- ۱- روزه فریضه ای واجب بر تمامی مؤمنان وادیان الهی می باشد
- ۲- مهم ترین ثمره روزه تقوا و پرهیزگاری می باشد

احکام روزه

- ۱- باطل کننده ها —————> نه چیز خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح
- ۲- اگر کسی غسل یا تیمم بر او واجب است، نمی تواند روزه بگیرد و اگر عمدأ در غسل کردن سهل انگاری کند تا وقت تنگ شود می تواند تیمم کند، اما بابت غسل نکردن معصیت کرده است.
- ۳- اگر به علت مریضی روزه نگیرد —————> تا رمضان آینده باید قضای آن را بگیرد
- اگر تا رمضان آینده نگیرد —————> قضای هر روز + به ازای هر روز به یک فقیر، یک مد گندم یا جو و مانند آن ها را بدهد.
- ۴- عمدأ روزه نگیرد: باید به ازای هر روز دو ماه ، روزه یا ۶۰ فقیر را غذا بدهد (۶۰ مد) —————> به کلمه یا دقت کن!!!
- ۵- با کاری حرام مثل دروغ به خدا و پیامبر روزه را باطل کند، به ازای هر روز کفاره جمع —————> ۶۰ فقیر و دو ماه نکته: در موارد ۴ و ۵، قضای روزه در کنار کفاره به قوت خود پابرجاست.

* وظیفه شخص مسافر: نماز باید شکسته خوانده شود و روزه نباید گرفته شود با شروط زیر:

- { الف) رفتن او کمتر از ۴ فرسخ شرعی (حد ترخص) و مجموعه رفت و برگشت او کمتر از ۸ فرسخ نباشد
 ب) بخواهد کمتر از ده روز در جایی که سفر نکرده بماند —————> جایی که ده یا بیشتر می مانیم عین وطن است و مسافر نیستیم
 ج) برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد مثال: بدون اجازه ی پدر و مادر به مسافرت رفتن !!!!

اما اگر:

- ۱- به وطن خود یا جایی که می خواهد پیش از ظهر برسد { اگر کاری که روزه اش را باطل کند انجام نداده است، باید روزه بگیرد
 { اگر انجام داده است، نباید روزه بگیرد
- ۲- روزه گرفته باشد { بعد از ظهر مسافر تبعدن از ظهر برسد و آن روز آن را بگیرد
 { قبل از ظهر مسافرت کند —————> بعد از اینکه به ۴ فرسخ شرعی (حد ترخص) رسید، روزه اش را افطار کند

درس یازدهم: فضیلت آراستگی

- * آراستگی
- مرتب و منظم کردن خود و بهتر کردن وضع ظاهری یا باطنی
 - انسان به طور طبیعی به آن علاقه دارد ← گرایش فطری
 - عامل تحسین انسان توسط دیگران
 - جنبه ها
 - باطنی ← زیبایی های اخلاقی همچون ادب، سخاوت، حسن خلق
 - ظاهری ← آراستگی از اخلاق مؤمن است

* آراستگی سیره ی پیشوایان دین

رسول خدا (ص) به هنگام ملاقات دیگران:

- خدای تعالی دوست دارد وقتی بنده اش به سوی دوستان خود می رود آماده و آراسته باشد.

امام صادق (ع) :

- در زمان پیامبر (ص) مردم در سختی بودند، اما امروز ما در شرایط بهتری هستیم و عموم مردم توانایی پوشیدن چنین لباسی را دارند ← در جواب مدعیان

زهد و پرهیز

- خداوند آراستگی و زیبایی را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن بدش می آید.

- دو رکعت نماز با بوی خوش بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.

* توصیه های پیشوایان در مورد آراستگی

* پیامبر (ص) :

- سبیل و موهای بینی خود را کوتاه کنید ← این کار بر زیبایی شما می افزاید.

- مردان ناخن خود را کوتاه و زنان مقداری بلند کنند ← بر زیبایی آن ها می افزاید.

نکته: این شیوه رسول خدا (علت) سبب شرف مسلمانان

۱. آراسته ترین و پاکیزه ترین ملت ها شوند

۲. الگو و سرمشق ملت های دیگر شوند

* مکان های حفظ آراستگی: ۱- اجتماعات و معاشرت ۲- خانواده ۳- عبادت (مهم ترین مکان)

موجب شکوفا کردن توانایی ها و استعدادها می شود

* مقبولیت دوران نوجوانی و جوانی نیاز به آن بیشتر می شود

رسیدن به آن از راه های نادرست ← نشانه ی ضعف روحی و ناتوانی در اثبات خود است

عفاف ← حالتی در انسان که موجب کنترل انسان در برابر تندروی ها و کندروی ها و حرکت در مسیر اعتدال و میانه روی می شود.

* رابطه ی عفاف با آراستگی و مقبولیت

- یکی از جلوه های عفاف، مربوط به آراستگی و مقبولیت است.

تندروی در آراستگی و ابراز وجود و مقبولیت

- تبرج قرآن کریم دچار شدگان به آن را جاهل می خواند

نتیجه: غفلت از هدف اصلی زندگی

- مقبولیت را از راه جلب ظاهری و خود را ابزاری برای هوس رانی دیگران کردن، به دست نمی آورد

باوقار شدن پوشش = عفاف

- امام علی (ع) : مبدا خود را برای جلب توجه دیگران بیارایی که در این صورت ناچار می شوی با انجام گناه به جنگ با خدا برخیزی.

معلول

علت

- امام صادق (ع) : لباس نازک و بدن نما نپوشید، زیرا چنین لباسی نشانه سستی و ضعف دین است.

* دلایل ضرورت رعایت عفاف در زنان

۱- زن، مظهر جمال خلقت است ← زیبایی باطنی و ظاهری او پشتوانه مهم برای ازدواج و تحکیم خانواده است.

۲- زن کانون عفاف خانواده است.

نکته: عرضه نابهای زیبایی، به پای گرمی بفشیدن به کانون خانواده عفت و هیا را از بین می برد.

درس دوازدهم: زیبایی پوشیدگی

دستورات قرآن کریم حول عفاف و حجاب:

(الف) خودداری مردان از نگاه به زنان نامحرم

(ب) خودداری زنان از نگاه به مردان نامحرم

(ج) استفاده زنان از زینت و زیورات نباید موجب جلب توجه نامحرم شود مگر قسمت‌هایی که آشکار است، مانند گردی صورت و دست‌ها تا مچ

(د) پوشش زنان باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را نیز بپوشاند. (کیفیت حجاب)

نزدیک کردن پوشش‌ها به خود برای زنان بهتر است

* **حدود و نتیجه‌ی حجاب از نظر قرآن کریم:**

"يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ"

۱- زنان مسلمان از ابتدا موی سر خود را می‌پوشانند ولی با حدود آن آشنا نبودند لذا خداوند به آنان دستور می‌دهد که پوشش‌هایشان را به خود نزدیک کنند تا اطراف صورت و گریبان آنان نیز پوشیده شود.

۲- دلیل: زن به **عفاف و پاکی** شناخته شود و مورد **تعرض** افراد بی‌بند و بار قرار نگیرد.

نکته: آداب و رسوم نحوه و شکل پوشش و قرآن مرور و علیت آن را تعیین کرده است.

* **حدود پوشش در کلام پیشوایان**

- امام کاظم در جواب برادرش که دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است: «چهره و دست‌ها تا مچ» ← **بند ج**

- امام صادق در جواب فضیل بن سيار: «آنچه زیر روسری است باید از نامحرم پوشانده بماند، همچنین از مچ به بالا باید پوشیده شود» ← **بند ج**

* **حدود پوشش در اسلام**

مردان ← پوشش آن‌ها } وقار و احترام آن‌ها حفظ شود
با ارزش‌های اخلاقی جامعه هماهنگ باشد
آنان را نزد مردم انگشت نما نکند
وسيله جلب زنان نشود

≠ پوشش حرام

تمام بدن خود را، به‌جز صورت و دست‌ها تا مچ، از نامحرم بپوشانند.

زنان

پوشش آن‌ها نباید چسبان و تحریک کننده باشد.

نکته: اتمام این وظایف هرچه کامل‌تر باشد:

۱. نزد خدا با ارزش‌تر ۲. آثار و ثمرات فردی و اجتماعی آن افزون‌تر ۳. فرد را به رشد و کمال معنوی بالاتر می‌رساند

* **دلایل رد ادعای سلب آزادی زنان به خاطر حجاب:**

۱- حجاب چگونگی پوشش زن در اجتماع را مشخص می‌کند ← موجب حضور مطمئن و امن زن در جامعه می‌شود

۲- ادعای خانه نشین کردن زنان با نگاه قرآن و سیره پیشوایان دین ناسازگار است.

نکته ۱: قانون هجاب موجب می‌شود که:

- سلامت اخلاقی جامعه بالا رود - مریم و همرت زنان حفظ شود.

- آرامش روانی وی افزایش یابد

نکته ۲: پوشش و هجاب در ایران باستان پتان برهسته بود که برفی مورقان غربی بر این باورند که ایران باستان منشأ اصلی گسترش هجاب در جهان بوده است.

نکته ۳: تفاوت هجاب در میان ملت مربوط به پگونگی و مرور آن بوده است.

اندیشه و تحقیق

با اینکه پوشش بدن و حتی موی سر در دین حضرت مسیح (ع) یک امر پسندیده است، برخی جوامع نسبت به این موضوع بی‌توجه‌اند. به نظر شما علت آن چیست؟ متأسفانه این جوامع به سنت‌های مشرکانه پیش از حضرت مسیح برگشته‌اند و امروزه بی‌بند و باری در غرب رواج می‌شود؛ زیرا آن‌ها حجاب را مانع کار و فعالیت اجتماعی دانسته و این تصور را دارند که زنان نمی‌توانند در جامعه حضور فعال داشته باشند؛ در صورتی که نه تنها این چنین نیست، بلکه حضور آن‌ها با حجاب، فعال‌تر و سازنده‌تر خواهد شد. با تحریف دین مسیح، حجاب جایگاه قبل را میان مسیحیان ندارد در صورتی که با آمدن مسیح، پوشش گسترش یافته بود.



درس اول: هدایت الهی

* احتیاج دائمی انسان به داشتن برنامه‌ای برای سعادت ← ارائه برنامه‌های متفاوت توسط مکاتب بشری شده است.

* فرا رفتن انسان از سطح زندگی روزمره ← رو به رو شدن با نیازهای بنیادین (برتر) ← دچار شدن به دغدغه و درد متعالی که نشانه‌ی بیداری و ورود به وادی انسانیت است. ← انسان محصور در نیازهای طبیعی نیست.

* نیازهای بنیادین: (۱) شناخت هدف زندگی ← ۱- انسان می‌خواهد بداند که برای چه زندگی می‌کند؟ ۲- کدام هدف به زندگی اش معنای تعالی می‌دهد؟

یا برتر یا متعالی

برآمده از سرمایه‌های انسان است

پاسخ دهی اشتباه ← از دست دادن عمر
امام سجاد (ع): خدایا ایام زندگانی مرا با آن چیزی اختصاص ده که مرا برای آن آفریده‌ای

(۲) درک آینده‌ی خویش ← آخرت ← پاسخ آن توسط کسی است که زاد و توشه سفر به آخرت را می‌داند

روزگار من این است و هر شب نغمه که چراغ دل من روشن کند

از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود به کجا می‌روم آخرت منی و طم

شناخت هدف

(۳) کشف راه زندگی: ۱- راه زندگی یا چگونه زیستن

۲- ارتباط دقیق با دو نیاز قبلی (جامع نیازها)

۳- این نیاز دغدغه انسان‌های خردمند می‌باشد ← اولی الالباب

۴- اهمیت: انسان فقط یک بار به دنیا می‌آید

مرد خردمند هر چه را عمر و بایست در این روزگار

"وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّاصُوا بِالصَّبْرِ"

۱- خداوند در این آیه با سوگند به زمان زندگی انسان (عمر) او را تهدید به از دست دادن عمر و نرسیدن به هدف خلقت می‌کند.

۲- محفوظ ماندن از این زیان در گروه: ۱. ایمان ۲. عمل صالح ۳. سفارش دیگران به حق و صبر

* احساسات شخصی و سلیقه‌ی فردی پاسخ‌گوی نیازهای برتر انسان نیست.

* ویژگی پاسخ به نیازهای بنیادین: (۱) جامع باشد. ← همه ابعاد آدمی را در بر می‌گیرد

(۲) کاملاً درست و قابل اعتماد باشد ← عمر محدود آدمی نمی‌تواند همه‌ی پاسخ‌های احتمالی را آزمون کند.

* ویژگی‌های کسانی که پاسخ به نیازهای بنیادین را می‌دهند:

۱- آگاهی کامل از خلقت انسان ۲- آگاهی از سرنوشت انسان پس از مرگ

* هدایت (۱) عام (تکوینی) ← بر اساس حکمت خداوند هدایت یک اصل عام و همگانی است. چون همه موجودات را برای اهدافی آفریده است.

(هدایت هر موجود متناسب با ویژگی‌های اوست)

"قَالَ رَبَّنَا الَّذِي اَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى"

(۲) هدایت ویژه انسان ← از طریق کتاب و پیامبران ← عقل هدایت ویژه نیست بلکه عامل کسب معرفت و باید‌ها و نبایدهاست.

ارسال برنامه هدایت توسط پیامبران + تفکر انسان در آن + انتخاب آن نتیجه رسیدن به هدف خلقت

"رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِّئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا"

وظائف پیامبران

علیت عزیز و حکیم بودن خدا معلولیت بینش راه بهانه‌گیری یا اتمام حجت در پی فرستادن پیامبران

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ"

توحید عملی

۱- پذیرش دعوت خدا و پیامبر ← بهره مندی از حیات پاک

* نکات حدیث امام کاظم به هشام بن حکم

- (۱) خداوند دو حجت بر مردم دارد :
- الف - حجت آشکار (فرستادگان الهی) ب - حجت نهان (عقل)
- (۲) فرستاده شدن پیامبران معلول تعقل بندگان در پیام الهی
- (۳) پذیرش بهتر پیام الهی معلول برخورداری از معرفت برتر
- (۴) دانایتر بودن نسبت به پیام الهی، معلول برتری در تفکر و تعقل
- (۵) داشتن رتبه‌ای بالا در دنیا و آخرت، معلول داشتن عقل کامل‌تر

نکته : بنابراین با کنار هم قرار گرفتن عقل و وحی پاسخ به سؤال‌های اساسی به دست می‌آید - هر چند انسان مفتار است هر برنامه‌ی دیگری انتقاب کند.

"إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا"

زیان دیدن در آخرت →

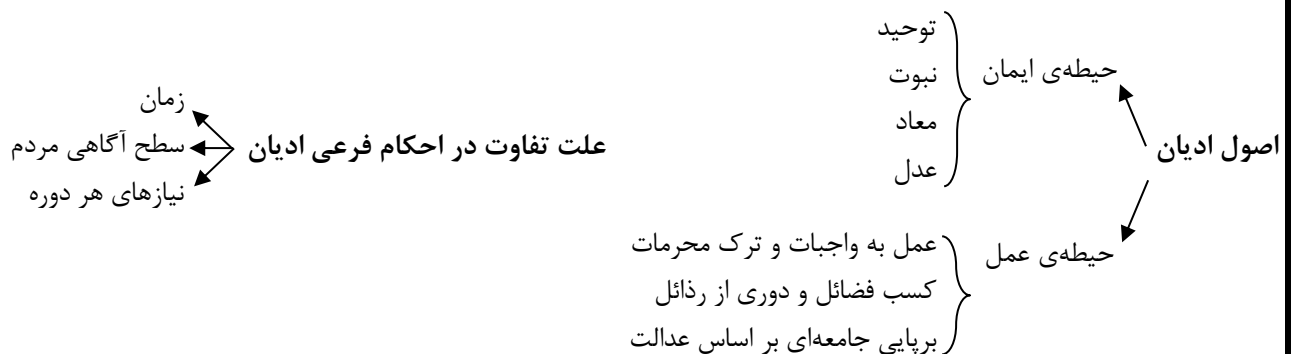
درس دوم : تداوم هدایت

* وحدت دینی

↓
به علت فطرت
مشترک
انسان‌ها

- "خداوند از دین همان را برایتان بیان کرد که نوح را بدان سفارش نمود. آنچه را ما به تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم، این بود که دین را به پا دارید، و در آن تفرقه نکنید."
- ۱- دین همه‌ی انبیاء یکی بوده و به همین جهت خداوند می‌خواهد که آن را به پادارند و در آن متفرق نشوند.
- ۲- آنچه بر مشرکان سخت می‌آید وحدت دینی پیروان پیامبران می‌باشد.
- "قطعاً دین نزد خداوند، اسلام است و اهل کتاب در آن، راه مخالفت نپیمودند مگر پس از آن که به حقانیت آن آگاه شدند، آن هم به دلیل رشک و حسدی که میان آنان وجود داشت."
- ۱- حقیقت دین دارای ماهیتی است که بهترین معرف آن اسلام است
- ۲- آیه بر ریشه‌پیدایش ادیان مختلف اشاره دارد که مسبب آن، آن دسته از رهبران دینی بودند که با دانستن حقیقت و از روی ستم و تجاوز دعوت پیامبر جدید را رد می‌کردند.
- "این دین آئین پدرتان ابراهیم است و او شما را از پیش مسلمان نامید."
- "ابراهیم نه یهودی بود و نه مسیحی؛ بلکه یکتاپرست (حق‌گرا) و مسلمان بود."

* یکسانی ادیان در اصول بوده است و گرنه شیوه‌ی انجام احکام در هر دین متفاوت است.



- * علل آمدن پیامبران متعدد
- (۱) لزوم استمرار در دعوت و ترویج پیوسته‌ی آن - لازمه‌ی استقرار و ماندگاری یک دعوت
- (۲) رشد تدریجی سطح فکر جوامع و اقوام
- حدیث : "إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمَرْنَا أَنْ نَكْلِمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ"
- (۳) تحریف تعلیمات پیامبر پیشین، به دلیل الف) ابتدایی بودن سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی ب) عدم توسعه کتابت
- تعالیم سبک زندگی مردم شود دشمنان نتوانند آن را کنار بگذارند

- * دلایل ختم نبوت (۱) آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی ← در مقابل رشد تدریجی سطح فکر مردم است (عوامل تجدید نبوت)
- مردم حجاز سطح فرهنگی پایینی داشتند
آمادگی فکری و فرهنگی جوامع دیگر
شروع نهضت علمی با ورود اسلام
- (۲) حفظ قرآن کریم از تحریف ← ۱. عنایت الهی ۲. اهتمام پیامبر ۳. تلاش مسلمانان (عدم نیاز قرآن به تصحیح و جاودانه بودن آن)
- (۳) وجود امام معصوم ← انجام مسئولیت های پیامبر (ص) (به جز دریافت و ابلاغ وحی) توسط امامان
- (۴) پویایی و روزآمد بودن اسلام: (۱) توجه به نیازهای متغیر در عین توجه به نیازهای ثابت
- { داد و ستد ← نیاز ثابت
روش و شیوه ی آن ← نیاز متغیر
- توسط فقیهان و مجتهدان احکام آن تنظیم می شود
- (۲) وجود قوانین تنظیم کننده ← (لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ)
- نکته: از آنجا که فراوان پیامبران را می فرستد و اوست که نیاز یا عدم نیاز به پیامبر را در هر زمان می داند، تشفیص زمان ختم نبوت با فراست.

علل عدم قبول چند دینی در دنیا:

- ۱- هر پیامبری با آمدن پیامبر بعدی بشارت می داد ← عدم قبول پیامبر جدید به معنای عدم ایمان به پیامبر گذشته است
 - ۲- قرآن تنها کتابی است که تمام محتوای آن از جانب خداست.
- "وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ"
- ۱ ۲ ۳
- ۱- ماهیت دین مورد قبول خداوند که موجب رستگاری دنیا و آخرت می شود اسلام است.
 - ۲- وجود چند دینی مورد قبول خداوند نیست ← لزوم پذیرش اسلام
 - ۳- یکی از جلوه های خسران زندگی در آخرت عدم قبول اسلام است.
 - ۴- ایمان به آخرین پیامبران به معنای ایمان به همه ی پیامبران قبلی است. زیرا همه، مردم را به سوی خدا دعوت می کردند نه خود!

درس سوم: معجزه جاویدان

- * اعجاز پیامبران
- { برای اثبات ارتباط پیامبران با خداوند
قرآن ← "آیت" ← نشانه ی نبوت
دانشمندان اسلامی ← "معجزه" ← عجز و ناتوانی دیگران در انجام آن

* مراتب مبارزه طلبی قرآن:

- مرحله ۱: کسانی که در الهی بودن قرآن شک دارند ← آوردن کتابی همانند
- مرحله ۲: برای نشان دادن عجز و ناتوانی شکاکان ← آوردن ۱۰ سوره همانند
- مرحله ۳: برای نشان دادن نهایت عجز و ناتوانی شکاکان ← آوردن ۱ سوره همانند = تحدی

"أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ"

۱ ۲

- ۱- ادعای شکاکان در مورد غیر الهی بودن قرآن
- ۲- راحت ترین راه برای غیرالهی نشان دادن قرآن آوردن سوره ای مانند آن است ← مرحله ۳

"قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا"

۱ ۲ ۳ ۴

- ۱- اعلام فوق توان بشر بودن قرآن
- ۲- مرحله ۲
- ۳- اعلام جاودانگی قرآن
- ۴- جاودانگی قرآن در هر صورت ممکن ← حتی با همفکری همه انسان ها

- * جنبه های اعجاز قرآن: (۱) لفظی → زیبایی لفظی، ساختار موزون کلمات و جمله، شیرینی بیان، رسایی در معنا با وجود اختصار که از همان ابتدای بعثت مورد توجه بود که موجب عدم اجازه سران مشرکان از عبور مردم از در خانه پیامبر می شد.
- (۲) محتوایی: نفوذ خارق العاده قرآن و مسلمان شدن ادیبان و دانشمندان در سایه آن
- (الف) انسجام درونی در عین نزول تدریجی: صحبت در مورد موضوعات متنوعی
- "أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا"
- راه پی بردن به انسجام درونی ← علت انسجام درونی ← عدم تعارض
- (ب) تأثیرناپذیری از عقاید دوران جاهلیت ← طرح مسائلی همچون عدالت خواهی، علم دوستی و حقوق برابر
- (ج) جامعیت و همه جانبه بودن ← صحبت قرآن در مورد تمام مسائل حیاتی ← برنامه ی هدایت انسان
- (د) ذکر نکات علمی ← انبساط جهان ← "وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ"
- قانون جاذبه میان ستارگان ← ستون هایی که برای شما دیدنی نیست
- حرکت کرات به دور خورشید ← "أَلَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ..."
- خلقت موجودات از آب ← "وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ" → "لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا"
- "وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكُمْ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ"
- * امی بودن پیامبر ← اثبات الهی بودن قرآن

درس چهارم: گستره ی رسالت پیامبر (ص)

- * رسالت پیامبر (ص): (۱) دریافت و ابلاغ وحی: نویسندگان آیات: کاتبان وحی ← مرتب و تنظیم کردن آیات قرآن
- حافظان آیات: حافظان وحی
- (۲) تعلیم و تبیین تعالیم وحی (مرجعیت دینی) ← گفتار و رفتار پیامبر به عنوان اولین مرجع فهم آیات
- آموزش جزئیات احکام، که کلیاتشان در قرآن است
- (۳) اجرای قوانین الهی از طریق ولایت بر جامعه (ولایت ظاهری)
- امام باقر (ع): بنی الاسلام علی خمس علی الصلاة و الزکاة و الصوم و الحج و الولاية و لم یبناء بشیء کمانودی بالولاية: اهمیت برقراری ولایت و حکومت اسلامی
- * دلایل ضرورت تشکیل حکومت اسلامی
- (الف) ضرورت اجرای احکام اجتماعی اسلام
- اسلام یک دین اجتماعی است
- اجرای عدالت در جامعه از اهداف پیامبران بوده است
- احکام اجتماعی اسلام در سایه حکومت اسلامی انجام می شود (زکات - خمس - امر به معروف و نهی از منکر...)
- "لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ"
- (ب) ضرورت پذیرش ولایت الهی و نپذیرفتن طاغوت ایزار بر پای عدالت
- "أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يَرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا"
- ۱- مخاطب آیه مدعیان ایمان به کتب آسمانی هستند، در حالی که حل داوری و مشکلات خود را نزد ناهلان می برند.
- ۲- مراجعه به طاغوت حرام است ← علیت ایمان پنداری و نداشتن ایمان حقیقی معلولیت ارجاع مشکلات به طاغوت و در پی آن گمراه شدن توسط شیطان
- ۳- پیروی از طاغوت فریب بزرگ شیطان است ← "ضَلَالًا بَعِيدًا"
- * ولایت معنوی: - مرتبه ای برتر و بالاتر از ولایت ظاهری و به خاطر عبودیت و بندگی ایشان اعطا گردید.
- واسطه ی فیض خالق به مخلوق بودن پیامبر (به اذن الهی)
- نمونه ای از آن هدایت معنوی می باشد که به میزان ایمان و عمل افراد بستگی دارد که با الهام بر روح و جان وی انجام می شود، مانند حضرت علی (ع): "روزی رسول خدا (ص) هزار باب علم به رویم گشود که از هر کدام هزار باب دیگر گشوده می شد"

* ضرورت عصمت:

(الف) رفتار : اعتماد به پیامبر از بین می‌رود و مردم از او پیروی نمی‌کنند.

(ب) مسئولیت در حوزه رسالت:

(۱) دریافت و ابلاغ وحی ← ۱- دین الهی به درستی به مردم نمی‌رسد

(۲) تعلیم و تبیین دین ← ۱- انحراف در تعلیم دین پیدا می‌شد.

(۳) اجرای فرامین الهی ← ۱- گمراهی مردم در هنگام انجام دستورات الهی

نکته : کسی که برانبر باگناه از چشم خدا می‌افتد سمت آن نمی‌رود ← علت عصمت پیامبران

* قدر شناسی از پیامبر ← تلاش و مجاهده و اتحاد و همدلی برای جلوگیری از بی‌اثر شدن زحمات پیامبر

- امام خمینی (ره) : ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید، به پا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام مجتمع شوید تا دست خیانته ابر قدرت‌ها را از اممالک خود و خزائن سرشار آن کوتاه کنید....

* راه‌های حفظ وحدت مسلمانان

۱- خودداری از اهانت به مقدسات سایر مسلمانان ← اعتقادات خود را با دانش اعتلا بخشیم تا با دیگران بر اساس استدلال صحبت کنیم

۲- دفاع درست از مظلومان مسلمان

پیامبر (ص): هر کس فریاد دادخواهی مظلومی را که از مسلمانان یاری می‌طلبد، بشنود اما به یاری آن مظلوم برنخیزد، مسلمان نیست

۳- کسانی که به ظاهر خود را مسلمان معرفی می‌کنند ولی با دشمنان اسلام دوستی می‌کنند بشناسیم و فریب آن‌ها را نخوریم ← ^{نتیجه} مردم با دشمنان اسلام دوستی می‌کنند.

درس پنجم: تداوم رسالت

* رحلت پیامبر (ص) ← اتمام قلمرو دریافت و ابلاغ وحی ← ادامه قلمروهای مرجعیت دینی و ولایت ظاهری توسط امام

* تعیین امام ← توسط خداوند بوده است زیرا فقط خداوند دانا به وجود ویژگی‌های امامت در یک فرد است.

(۱) نزول آیه انذار (یوم الانذار) ← ۳ سال بعد از بعثت بنا بر فرمان خدا، به پیامبر ۴۰ نفر از بزرگان بنی هاشم را دعوت و حضرت علی را به عنوان جانشین خود انتخاب کرد ← ابلاغ این موضوع در روزهای اول بعثت نشان از اهمیت بالای موضوع جانشینی دارد و اینکه نمی‌توان انجام آن را به عهده ی مردم سپرد.

(۲) نزول آیه ولایت ← در نزدیک ظهر

"إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ"

۱- آیه در نزدیک ظهر و در شأن حضرت علی و بیان ویژگی جانشین پیامبر می‌باشد که عبارت است از :

نکته: نزول این آیه به هنگام حضور مردم به آن جهت بوده است که مردم به چشم خود ببینند.

(۱) مومن به خدا
(۲) برپاکننده نماز
(۳) صدقه‌دهنده در رکوع

(۳) نزول آیه تطهیر ← درب خانه حضرت فاطمه خوانده می‌شود.

"إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا"

۱- نزول آیه در منزل امه سلمه

۲- در بیان عصمت اهل بیت که علت معیار بودن عمل آنها برای سایر انسان‌ها است.

۳- مقدم بر دعای پیامبر (ص) : خدایا اینان اهل بیت من هستند...

(۴) حدیث جابر ← به جهت معرفی اولوالامر

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ"

۱- لزوم اطاعت از خدا، پیامبر و صاحبان امر (افراد معرفی شده به عنوان ۱۲ امام در حدیث جابر) در هر عصر .

(۵) حدیث ثقلین ← "إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا، فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا" ← در آخرین روزهای عمر پیامبر

۱- جاودانگی عصمت اهل بیت در کنار قرآن (ثقلین لازم و ملزوم یکدیگرند) ۲- تمسک به قرآن و اهل بیت ← جلوگیری از گمراهی

(۶) حدیث منزلت ← اعلان ختم نبوت

پیامبر (ص) خطاب به حضرت علی : أَنْتَ مِنْ مَنزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي

۷) حدیث غدیر ← سال دهم هجرت، روز هجدهم ماه ذیحجه در " حجة البلاغ " یا " حجة الوداع " به دنبال نزول آیه ۶۷ مائده "بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْكَافِرِينَ"

۱- نزول آیه قبل از واقعه غدیر

۳- تضمین جان پیامبر در برابر خطرات احتمالی تعیین جانشین

۴- بی بهره ماندن منافقان از انوار هدایت الهی

۵- حدیث غدیر بعد از نزول این آیه با عبارت "من اولى الناس بالمومنین من انفسهم" شروع و با "من كنت مولاه فهذا على مولاه" پایان یافت. (این جمله ۳ بار تکرار شد) ← مردم برای عرض تبریک و شادباش نزد امام آمدند و با وی بیعت کردند.

نکته : لازمه‌ی امامت، علم کامل و عصمت از گناه و اشتباه می‌باشد.

درس ششم: پیشوایان اسوه

"لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا"

مقام الگویی پیامبر در جایگاه رهبری ۱

ویژگی‌های کسانی که مقام الگویی پیامبر را می‌پذیرند : ۱. امید به خدا و روز آخرت ۲. یاد دائمی خداوند

* ویژگی‌های حکومت پیامبر

۱- تلاش برای برقراری عدالت ← با قاطعیت عمل می‌نمود

- این اقدام در حالی بود که در جوامع آن روز تبعیض یک قانون پذیرفته شده بود

- اقدامات: تقسیم بیت المال - عدم تفاوت میان عرب و غیر عرب - بردباری در برابر تزییع حقوق خود و مجازات متجاوزان در برابر حقوق مردم - برابر دانستن همه افراد برای اولین بار

- پیامبر علت سقوط اقوام پیشین را تبعیض در اجرای عدالت می‌دانست.

۲- محبت و مدارا با مردم

- رفتار محبت‌آمیز پیامبر با مردم ← ۱. او را پدر خود می‌خواندند ۲. در سختی‌ها به او پناه می‌بردند

- پیامبر (ص) : عیب دیگران را نزد من بازگو نکنید ← با دلی پاک با شما معاشرت کنم

- اقدامات: پهن کردن ردای خود برای مهمان - همراهی آنان اگر در مورد آخرت سخن می‌گفتند و هم‌سخن شدن با آنها اگر در مورد خوردنی و آشامیدنی صحبت می‌کردند. (جز در موارد حرام)

۳- سخت‌کوشی در هدایت مردم

- علاقه‌مندی پیامبر در هدایت مردم ← دور نشدن او از مردم حتی به واسطه‌ی سختی و آزارهای این راه

- پیامبر (ص) در مقابل همه سختی‌های هدایت با صبر و بردباری به هدایت مردم می‌پرداخت ← "لَعَلَّكَ بِأَخٍ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ"

- بزرگان قبایل جنگ‌های علیه ایشان به راه می‌انداختند ← پیامبر سعی بر هدایت آنان داشت

- اقدامات: پیران و زنان و کودکان را نکشید - حیوانات حلال گوشت را نکشید مگر برای تغذیه....

۴- مبارزه با فقر و محرومیت

- تلاش پیامبر برای ساخت جامعه‌ای آباد موجب (علت) : ۱. تشویق مردم به کار ۲. بیزاری از بیکاری ۳. مذمت کسانی که فقط عبادت می‌کردند

- اقدامات: احترام به فقیران و رفاقت با آنان - ملاک ندانستن ثروت برای برتری - گفت‌وگو صمیمانه با فقیرترین و محروم‌ترین مردم

* نکات حدیث امام علی (ع) در مورد تربیت او در دامان پیامبر (ص) :

- نه هرگز رفتاری ناشایست از من مشاهده کرد.... ← عصمت امام علی (ع)

- پیامبر هر روز پرچمی از خوی‌های نیکو را بر من می‌افراشت ← ولایت معنوی

- آنچه را من می‌شنوم تو ام می‌شنوی جز اینکه تو پیامبر نیستی ← ختم نبوت و حدیث منزلت

نکته : شیعه به معنای پیرو و کسانی هستند که امام علی (ع) را جانشین پیامبر می‌دانند.

* ویژگی‌های امام علی (ع)

۱- عدالت بی‌مانند

- در آغاز حکومت با الگوگیری از سیره پیامبر عدالت و مبارزه با تبعیض شروع شد

- در روزهای آغازین حکومت ← "گروهی بیش از حق خود.... اینان ننگ دنیا و عذاب آخرت را خریده‌اند...."

- فردای روز آغازین ← تقسیم بیت‌المال به تساوی ← "سوگند به خدا اگر همه دنیا را به من بدهند به اندازه گرفتن پوست جو...."

- در ابتدای حکومت - اصلاح امور و برکناری فرمانروایانی که به ناحق به پست و مقام رسیده بودند - در این کار چنان مصمم بود - که به مصلحت‌اندیشی یاران توجه نداشت

۲- علم بی کران - یکی از ابعاد شگفت‌انگیز امام علی (ع)

- نجح‌البلاغه - دانشمندان برای استفاده بیشتر مردم شرح آن را نوشته‌اند

"أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَى بَابِهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ" و جوب پیروی از دانش امام علی (ع)

امام علی (ع) : «..... هر گاه در حضور پیامبر سکوت می‌کردم، ایشان پیشگام می‌شد و مرا از دانش خود بهره‌مند می‌ساخت - ولایت معنوی

درس هفتم: وضع فرهنگی و سیاسی پس از رسول خدا (ص)

"وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ"

۱- از نظر قرآن کریم مهمترین خطری که پس از رحلت رسول خدا مسلمانان را تهدید می‌کرد بازگشت به دوران جاهلیت بود.

۲- سپاس‌گزاران واقعی نعمت رسول خدا، کسانی معرفی شده‌اند که در راهی که پیامبر بنانهاده ثابت قدم بمانند.

* حضرت علی عامل حکومت بنی‌امیه را سستی مسلمانان در دفاع از حق عنوان می‌داشت.

* نکات سخنان امام علی (ع) در مورد دوران بعد از خود

- شامیان بر مردم پیروز می‌شوند زیرا در راه باطل زمامدارشان فرمانبرداران

- قلب انسان به درد می‌آید که آن‌ها در مسیر باطل متحدند و شما در راه حق متفرقید

- امام علت حکومت بنی‌امیه را: ۱. سرپیچی مردم از دستورات امام ۲. اختلاف و تفرقه مسلمین

- هر حرامی را حلال می‌کنند

- دو دسته بگیرند: ۱. گروهی برای دنیا که به آن نرسیده‌اند ۲. گروهی برای دین خود که آن را از دست داده‌اند

* دلایل حفظ اسلام پس از رحلت رسول: (۱) تحول معنوی و فرهنگی ایجاد شده در عصر پیامبر

(۲) قرآن و ائمه اطهار

* مسائل و مشکلات (۱) ممنوعیت از نوشته شدن

عصر ائمه (ع): احادیث پیامبر:

۱- احتمال خطا در نقل احادیث و کم و زیاد شدن عبارات یا فراموش شدن آن‌ها

۲- فراهم آمدن شرایط برای جاعلان حدیث تا با اغراض شخصی احادیث را جعل کنند یا از

نقل برخی خودداری کنند

۳- دخالت دادن سلیقه‌ی شخصی در احکام دینی به علت بی‌بهره ماندن از یک منبع مهم هدایت

۴- نبود مدرک و منبع برای تشخیص حدیث درست از نادرست

(۲) تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث - برخی از عالمان وابسته به قدرت و گروهی از علمای اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان)

مانند: کعب الاحبار آیات و معارف اسلامی را مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرت‌مندان

تعلیم و تفسیر می‌کردند و آنان جایزه می‌گرفتند

گفته شدن داستان خرافی در مساجد در مورد پیامبران

(۳) ظهور شخصیت‌ها و الگوهای غیر قابل اعتماد - به انزوا کشیده شدن شخصیت‌های اصیل اسلامی = برجسته شدن افراد

نالایق و به دور از معیارهای اسلامی

عدم ظهور انسان‌های آزاده و با ایمان همچون مقداد و عمار...

(۴) تبدیل حکومت عدل نبوی به حکومت قیصری و کسری: حکومت پیامبر بر اساس برابری و مساوات بنا شده

* جاهلیت با لباس جدیدی وارد زندگی اجتماعی شد

* طالبان قدرت و ثروت و قرب و منزلت یافتند

* شخصیت‌های باتقوا و جهادگر مورد احترام و اعتماد پیامبر (ص) منزوی شدند

* ساخت کاخ‌ها و خزائن

* تبدیل جامعه مؤمن و فداکار به جامعه راحت طلب و تسلیم

* عدم توانایی ائمه اطهار در همراه کردن دیگران با خود

نکته: به کلمات «منزوی» در مشکلات ۳ و ۴ دقت کن

اندیشه و تحقیق

چه مسائلی زمینه را برای ورود جعل و تحریف به احادیث پیامبر اکرم (ص) آماده کرد؟
 منع نوشتن احادیث پس از رحلت پیامبر
 نیاز حاکمان جور و صاحبان قدرت به توجیه موقعیت خود و هم چنین اقدامات مخالف اسلام آنان بود

درس هشتم: احیای ارزش‌های راستین

* راه‌رهای مسلمانان از اوضاع بنی‌امیه از نظر امام علی (ع):

- ۱- پیروی از قرآن، با شناخت فراموش‌کنندگان قرآن و با مقابله با دشمنان قرآن ممکن است.
- ۲- قدم‌گذاشتن در راه رستگاری، با شناخت رها‌کنندگان و تبعیت کنندگان صراط مستقیم و با مقابله با رها‌کنندگان امکان پذیر است.
- ۳- وفا کردن به عهد، با شناخت شکنندگان پیمان و با مقابله با پیمان شکنان ممکن است.
- ۴- نظر دادن و حکم کردن اهل بیت حکایتگر توانایی و دانش آنهاست. ← راه حل نهایی مسلمانان

* اقدامات مربوط به مسئولیت‌های دوگانه امامان

الف) اقدامات مربوط: (۱) تعلیم و تفسیر قرآن کریم ← آشکار کردن رهنمودهای قرآنی و بهره‌مندی مشتاقان

به مرجعیت دینی (۲) اقدام برای حفظ سخنان و سیره پیامبر (ص)

هریک از امامان علاوه بر این که ۱. علوم را به امام بعد از خود می‌سپرد سعی می‌کرد ۲. آنها را در جامعه گسترش دهد

مثال: امام رضا (ع): کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی (حدیث سلسله الذهب)

تجلی توحید در زندگی اجتماعی با پذیرش ولایت ائمه انجام می‌شود به جهت توالی اسامی امامان

(۳) تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو ← با گسترش سرزمین اسلامی امام رضا (ع): "و انا من شروطها"

فراهم آمدن کتاب‌های: ۱- نهج البلاغه ۲- صحیفه سجاده

(۴) تربیت شخصیت‌های اسلامی

نکته: تلاش ائمه (علت) سبب شد که حقیقت اسلام برای پیوندگان پوشیده نماند.

ب) مجاهده در راستای ولایت ظاهری، به دو جهت: (۱) اداره جامعه از طرف خدا به امامان واگذار شده بود

(۲) سکوت در برابر ظلم و زیر پا گذاشتن قوانین اسلام را گناه می‌دانستند (بنا به وظیفه‌ی امر به معروف

و نهی از منکر)

اقدامات (۱) - عدم تاکید حاکمان ← تفاوت‌های رفتاری حاکمان را در نظر داشتند (در مواردی که بر طبق دستور اسلام عمل می‌کردند)

به شیوه‌های مختلف به اطلاع مردم می‌رسانند

(۲) - معرفی خویش به عنوان امام بر حق ← به گونه‌ای که مردم بدانند تنها آنان جانشینان رسول خدا هستند.

گفته‌ی امام صادق در روز عرفه و مراسم حج

(۴) - انتخاب شیوه‌ی درست مبارزه

به گونه‌ای که تفکر اسلام راستین باقی بماند

بنای ظلم بنی‌امیه و بنی‌عباس سست شود

روش زندگی امامان به نسل‌های آینده منتقل شود

* تذکرات امام علی (ع) در مورد دوران بنی‌امیه:

۱. دروغ رایج شد، قرآن کم بها شد، حق پوشیده شد و باطل رایج گردید.

۲. منکر افزایش یافت، معروف کاهش یافت و از راهنمایی‌های قرآن فاصله گرفتند.

نکته ۱: مبارزه‌ی امامان به یک هدف فتم می‌شود اما شیوه‌ی مبارزه‌ی آنها متناسب با شرایط سیاسی و فرهنگی متفاوت بود.

نکته ۲: تقیه: مخفی نگه داشتن اقدامات مورد حساسیت دشمن به جهت ضربه زدن بیشتر و کم‌تر ضربه خوردن ← مخفی نگه داشتن ارتباط با یاران نمونه‌ای

+ ویژگی انسانی‌ها +

از آن است.

- * امام علی (ع) پس از اینکه حق مسلم خود در رهبری جامعه اسلامی برای حفظ نظام نوپای اسلامی ۱- سکوت پیشه کرد، ۲- در عین حال گوشه گیری هم در پیش نگرفت، ۳- هر جا که کاری خلاف موازین اسلامی می دید انتقاد می کرد، ۴- هر جا که از آن حضرت کمک می خواستند آنان را یاری می نمود.
- * امام حسن مجتبی (ع) با سنجیدن شرایط، سرانجام صلاح را بر آن دید که بر خلاف میل خود با معاویه قرارداد صلح را امضا کند، ولی معاویه بندهای قرارداد را زیر پا گذاشت.
- * امام حسین (ع) وقتی یزید به حکومت رسید، روش خود را تغییر داد و علیه او قیام کرد.
- * امام سجاد (ع) در کنار گسترش معارف از طریق دعا به تجدید حیات نهضت شیعیان پرداخت.
- * در اثر فعالیت های امام سجاد (ع) و قوت گرفتن مجدد شیعیان و ضعف تدریجی بنی امیه، زمان معرفی اسلام اصیل در دوران امام باقر (ع) فرا رسید. ایشان یک مدرسه علمی در مدینه پایه گذاری کرد.
- * در زمان امام صادق (ع) ناخشنودی نسبت به دستگاه بنی امیه به اوج رسیده بود، ایشان مبارزه خود را علنی تر کردند و حتی قیام زیدبن علی عموی خود را تأیید نمودند.
- * در زمان امام کاظم (ع) دوره اختناق شدید بود و مبارزه خود را آشکار و مخفی ادامه دادند و سال های طولانی را نیز در زندان به سر برد.
- * ده سال از امامت امام رضا (ع) در دوره هارون عباسی بود و با روی کار آمدن مأمون، زمینه فعالیت شیعیان بیشتر شد.
- * با شهادت امام رضا (ع) مرحله بسیار سختی برای شیعیان و علویان پدید آمد. با تمام سخت گیری های سه امام بعد، معارف بازمانده از پدران گرامی خود را حفظ کردند و از طریق شاگردان به نسل های بعد رساندند و مانع نابودی مکتب اهل بیت (ع) شدند. به عنوان مثال «زیارت جامعه کبیره» یکی از منابع معرفتی شیعه است که توسط امام هادی (ع) بیان شده و یاران آن امام برای ما شیعیان نقل کرده اند، این زیارت مانند یک درس امام شناسی است.
- * در این دوره ارتباط امامان از طریق وکلا و نمایندگان اوج گرفت و ارتباط از طریق وکیل، زمینه را برای غیبت امام عصر (ع) نیز آماده کرد و در دوره غیبت صغری امام چهار نایب خاص تعیین کرد، در این دوره مردم به این نایبان مراجعه می کردند.
- * ما پیرو شیعه انسان هایی هستیم که جان و همه زندگی خود را برای نجات و رستگاری انسان ها فدا کردند. البته آنان هم اکنون ناظر بر ما هستند، باید به گونه ای زندگی کنیم که سبب بدبینی دیگران نسبت به شیعیان نشویم.
- * شیعه بودن تنها به اسم نیست، بلکه اسم باید با عمل همراه باشد تا پیرو حقیقی پدید آید که امام صادق (ع) در این باره می فرماید: «مایه زینت ما باشید نه مایه زشتی و عیب».
- * **وظیفه ما در برابر پیامبر (ص) و امامان (ع)** ← به گونه ای زندگی کنیم که سبب بدبینی دیگران به شیعیان نشویم ← **شیعه ای با عمل**
- امام صادق (ع) : مایه زینت و زیبایی ما باشید، نه مایه زشتی و عیب

درس نهم: عصر غیبت

- * امام مهدی (عج) : **تاریخ تولد** : جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری
- محل تولد** : سامرا
- آغاز امامت** : سال ۲۶۰
- غیبت صغری** : ۲۶۰-۳۲۹ ← ارتباط از طریق نواب اربعه (نواب خاص)
- غیبت کبری** : از سال ۳۲۹ هجری با مرگ آخرین نایب
- "ذَلِكَ بَأْنِ اللَّهِ لَمْ يَكْ مُغَيَّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ"
- ۱- رفتار روح جمعی جامعه مقدم بر تغییر نعمت دهی خدا اعلام شده است (نعمت دهی خداوند مقدم بر رفتار انسان هاست)
- ۲- زمینه ساز هلاکت یا سربلندی جامعه، اعمال مردم آن است
- * **علت غیبت امام مهدی (عج) :** به سبب قدرناشناسی و ناسپاسی مردم و در خطر بودن جان آن حضرت خداوند آخرین حجت خود را از نظرها پنهان کرد.
- (۱) (۲)
- نکته ۱: با اینکه هاکمان بنی امیه و بنی عباس عاملان اصلی به شهادت رسیدن امامان بودند اما:
۱. مردم تسلیم آن ها شدند
۲. وظیفه ای امر به معروف و نهی از نکر را انجام نمی دادند
- نکته ۲: مبارزه مردم با هاکمان ← رسیدن فلاح به ائمه و حرکت جامعه بشری در مسیر صبیح کمال
- امام علی (ع): زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی ماند اما خداوند به علت ستمگری انسان ها و زیاده روی در گناه . خداوند آنان را از وجود حجت در میانشان بی بهره می سازد ← تا جایی که انسان ها شایستگی ظهور پیدا کنند
- (۱) (۲)

* امامت حضرت مهدی : غیبت امام در مقابل ظهور است نه حضور

در دوره‌ی غیبت

امیرالمومنین^(ع) : حجت خداوند در میان مردم حضور دارد از معابر و خیابان‌ها عبور می‌کند ...

امام عصر: بهره بردن از من در عصر غیبت، مانده بهره بردن از خورشید است هنگامی که پشت ابرهاست .

* بخش اصلی رهبری ایشان مربوط به ولایت معنوی می‌باشد به‌ویژه برای شیعیان و محبان

نامه‌ی امام به شیخ مفید: ما از احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی‌ماند...

نمونه‌ای از این یاری‌ها: هدایت باطنی افراد، حل برخی مشکلات علمی علما...

نکته : موعود و منبئ طرح مشترک پیامبران الهی در مورد آینده تاریخ و تحقق وعده‌ی پیروزی حق بر باطل است ← «فتلاف اریان در مورد پگونی ظهور است

آینده‌ی تاریخ: "وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا"

انتظار خداوند از مومنان صالح

۱- وعده خداوند به مومنان صالح در آینده تاریخ (به ترتیب): ۱. حکمرانی در زمین ۲. استقرار دین آنها ۳. از بین بردن ترس آنها

"وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ"

۱- وعده خدا به صالحان در آینده تاریخ: ۱- به ارث بردن زمین ← وعده مشترک و وحدت آفرین در کتب آسمانی

"وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ"

۱- وعده خدا به مستضعفان در آینده تاریخ (به ترتیب): ۱) امام و پیشوای مردم ۲) به ارث بردن زمین

* مشخص بودن نام پدر و مادر امام زمان ← شناخته شدن ماجراجویان فریب کار

* زنده بودن و حضور ایشان : ۱. درخواست از امام و تلاش برای کسب رضایت او ۲. بهره‌مندی مردم از هدایت معنوی امام

* پویایی جامعه شیعه در طول تاریخ: (۱) گذشته سرخ ← شهادت در راه عدالت خواهی، آرمانگرایی، حقیقت جویی

(۲) آینده سبز ← دوری از طاغوت- تلاش برای گسترش عدالت

* مسئولیت‌های منتظر: (۱) تقویت ایمان و معرفت و محبت به امام

پیامبر اکرم^(ص): هرکس دوست دارد خدا را در حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت او ملاقات کند ولایت و محبت امام

پیامبر (ص): "مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً"

عصر را بپذیرد

* عصر غیبت عصر دودلی‌ها و شک تردیدهاست

پیامبر اکرم (ص): بزرگترین مردمان در ایمان و یقین کسانی هستند که در روزگاران آینده زندگی می‌کنند...

راه‌های افزایش معرفت: الف) شناخت جایگاه امام ب) آشنایی با شیوه حکومت داری ایشان ج) آشنایی با صفات ایشان

۲) پیروی از امام عصر (عج) ← با پیروی از عالمان دین است، عمل به احکام، نفی طاغوت

رسول خدا: خوشا به حال کسی که به حضور قائم برسد در حالی که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد

۳) ایجاد آمادگی در خود و جامعه ← منتظران عصر غیبت را عصر آماده‌باش می‌دانند

* ویژگی‌های یاران مهدی (از نظر امام صادق): یاران مهدی مردمانی سرشار از یقین....

* شروط بیت با امام زمان (از نظر امام علی): در امانت خیانت نکنند، اهل دشنام نباشند....

* هسته مرکزی یاران امام ۳۱۳ نفر به تعداد یاران پیامبر در جنگ بدر می‌باشد بیشتر آنان را جوانان و طبق گفته امام باقر (ع) ۵۰

نفر از آنان زنان هستند.

ویژگی کسانی که آماده ظهور می‌شوند:

۱. قبل از ظهور در صحنه فعالیت‌های اجتماعی و نبرد علیه باطل حضور داشته باشند ۲. ایستادگی در مقابل شیاطین درون و برون

۴) دعا برای ظهور ← در انتظار ظهور بودن از برترین اعمال عصر غیبت است که لازمه آن دعا برای ظهور است

امام علی (ع): منتظر فرج الهی باشید و از لطف الهی مایوس نشوید و بدانید محبوب‌ترین کارها نزد خداوند انتظار فرج است

نکته : امام زمان زمانی ظهور می‌کند که :

الف) مردم از همه مکتب‌های غیر الهی و مدعیان برقراری عدالت در جهان ناامید شوند.

ب) با تبلیغ منتظران دل‌های مردم جلب ایشان باشد.

عدالت گستری } پیامبر (ص) : با ظهور امام عصر زمین پر از قسط و عدل...
آبادانی } [امام باقر (ع) : چنان میان مردم مساوات برقرار کند....

جامعه مهدوی } شکوفایی عقل و علم با عنایت امام زمان (عج)
امنیت کامل

فراهم شدن زمینه رشد و کمال ← مهم ترین ویژگی جامعه مهدوی که با آن
بندگی بهتر
تربیت فرزندان صالح
خیرخواهی دیگران
رسیدن به هدف خلقت

اندیشه و تحقیق

این جمله را تحلیل کنید : «منتظران مصلح، خود باید صالح باشند.»

کسانی که آن بینش انزواطلبانه را نسبت به یاران امام در عصر غیبت داشته باشند، انتظار آن ها نیز انتظاری غیر فعال یا منفی است، این گونه افراد، انتظار را بیشتر در دعا، گریه، زاری و اموری از این قبیل می بینند، اما کسانی که می کوشند خود را آماده ی همان کارهایی کنند که امام از آن ها خواهد خواست، انتظار مثبت یعنی آدم های فعالی هستند که در جهت تحقق خواسته های امام خود تلاش می کنند. آنان می کوشند جبهه ای از حق تشکیل دهند و همواره بر تعداد یاران خود بیفزایند و در عین فعالیت سازنده و مثبت با اشک و شوق و دعا و ندبه، ظاهر شدن امام را طلب می کنند.

درس دهم : مرجعیت و ولایت فقیه

"وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ..."

۱- دلایل وجوب کوچ کردن گروهی (نه همه) از مومنان (به ترتیب): ۱. تفقه در دین = فقیه ۲. انداز مردم (لیندروا قومهم) ۳. برحذر داشتن از نبایدها (یحذرون) پیامبر (ص) : حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد سخت تر از حال یتیمی است که پدر را از دست داده است. زیرا چنین شخصی، در مسائل زندگی حکم و نظر امام را نمی داند....

* منابع فقها در رابطه با استخراج احکام جدید : (۱) قرآن کریم (۲) سیره و سنت پیامبر و امامان

* مسئولیت های دوگانه امامت در عصر غیبت: (۱) مرجعیت دینی ← مرجعیت فقیه (توسط فقیهان واجد شرایط)
(۲) ولایت ظاهری ← ولایت فقیه (توسط ولی فقیه)

* شرایط ولی فقیه یا رهبر (۱) مشروعیت ← دین : (۱) باتقوا باشد
امام صادق (ع) : مِنْ كَانِ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ ، حَافِظًا لِدِينِهِ
مُخَالَفًا لِهَوَاهُ ، مُطِيعًا لِأَمْرِهُ مَوْلَاهُ
(۲) عادل باشد
(۳) زمان شناس باشد ← آگاه به شرایط زمانه
امام زمان خطاب به اسحاق بن یعقوب: و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة الحديث ع
در مورد رویدادهای جدید به راویان حدیث مراجعه کنید
(۴) با تدبیر و با کفایت باشد ← نقشه ی دشمنان را خنثی سازد
(۵) شجاعت و قدرت روحی داشته باشد ← در مقابل تهدیدها بایستد
(۲) مقبولیت ← مردم

نکته ۱ : مسلمانان در مسائل اجتماعی باید به فقیه مراجعه کنند ← لزوم تشکیل حکومت الهی و نفی طاغوت

نکته ۲ : اداره جامعه با یک مجموعه قوانین و یک رهبری امکان پذیر است، در غیر این صورت هرج و مرج و تفرقه پیش می آید.

نکته ۳ : تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت به معنای ارائه ی یک الگو از حاکمیت دینداران است و فرصت آن را می دهد که آنچه برای ظهور لازم است فراهم گردد.

* وظایف رهبر

۱- تلاش برای اجرای احکام ← جلوگیری از خروج جامعه از مسیر قوانین الهی

۲- حفظ استقلال کشور ← با استقامت و بستن راه های سلطه - کشورهای بیگانه، همواره در صدد سلطه بر کشورهای دیگرند ← فشار اقتصادی

۳- تصمیم گیری بر اساس مشورت ← لازمه ی اداره جامعه و رهبری آن

۴- ساده زیستی ← با الگو قرار دادن اولیای دین

* وظایف مردم

نکته : رهبر جامعه اسلامی، رهبری کسانی را بر عهده دارد که می‌خواهند در سایه قوانین اسلامی مسیر رستگاری را پیمایند.

- ۱- وحدت و همبستگی اجتماعی ← به رهبری امکان می‌دهد برنامه اسلامی را اجرا کند
- تفرقه ← تسلط سلطه گران - وحدت ← قوی ساختن کشور
- ۲- استقامت و پایداری ← برای رهبر فرصت مقابله با مشکلات را فراهم می‌کند
- ۳- افزایش آگاهی سیاسی و اجتماعی ← لازمه تصمیم‌گیری صحیح در برابر قدرت‌ها
- به گونه‌ای عمل کنیم که بیشترین ضربه را زده و کم‌ترین ضربه را بخوریم = تقیه
- ۴- مشارکت در نظارت همگانی ← رهبر مردم را پشتیبان خود می‌یابد و هدایت جامعه آسان‌تر می‌شود.
- در برابر گناه در جامعه همه‌ی مردم مسئول هستند
- ۵- اولویت به اهداف اجتماعی ← رهبر در اداره‌ی جامعه موثق‌تر خواهد بود.
- اولویت اهداف اجتماعی بر منافع فردی ← خرید کالای ایرانی

- * نکات عهدنامه‌ی مالک اشتر
- * در تبیین مسئولیت کارگزاران
- * دوستی و مهربانی با مردم زیرا: مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، دسته‌ای دیگر همانند در آفرینش
- * نداشتن تکبر با نظر در عظمت الهی زیرا: نداشتن تکبر تو را از سرکشی نجات می‌دهد، تندروی تو را فرومی‌نشاند
- و عقلت را به جایگاه اصلی باز می‌گرداند.
- * دور کردن عیب‌جویان زیرا: مردم عیب‌هایی دارند که رهبر جامعه بیش‌تر از همه باید در پنهان کردن آنها بکوشد.
- * شتاب نکردن در پذیرش حرف سخن‌چین زیرا: در لباس نصیحت ظاهر می‌شود اما خیانتکار است.
- * مشورت نکردن با ترسو زیرا: در کارها روحیه‌ی تو را سست می‌کند
- * تفاوت گذاشتن میان نیکوکار و بدکار زیرا: در غیر این‌صورت نیکوکار نسبت به کار خیر بی‌رغبت و بدکار به کار بد تشویق می‌شود.
- * توجه به طبقات محروم و تعیین گروهی برای تحقیق در رابطه با وضع آنان زیرا: این گروه بیش از دیگران به عدالت نیاز دارند.

- * اگر با دشمنی پیمان سستی از پیمان شکنی غافل نباش زیرا: دشمن گاهی از ایم راه تو را غافلگیر می‌کند.
- * نکات حدیث امیرالمومنین در رابطه با مسئولیت‌های رهبر و مردم:
- * بزرگترین حقی که خداوند واجب کرده است حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است
- * این حق و مسئولیت آنها سبب ایجاد دوستی و الفت در میانشان و ارجمندی دینشان میشود
- * حق زمانی در جامعه ارزشمند می‌شود که مردم و رهبر وظایف خود را انجام داده باشند

- * تفاوت نظام دموکراتیک و نظام جمهوری اسلامی:
- (۱) حکومت اسلامی بر مبنای قوانین اسلامی بنا می‌شود ← نظام مردم‌سالاری دینی
- (۲) نظام دموکراتیک تنها خواسته‌های دنیوی مردم را مد نظر دارد و نسبت به ارزش‌های الهی بی‌اعتناست در حالی که هدف اصلی نظام اسلامی سعادت اخروی و عدالت اجتماعی است.

درس یازدهم: عزت نفس

ذلت ← شکست‌ناپذیری و تسلیم شدن

عزت ← شکست‌ناپذیری

"لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ، وَ زِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ" ← انسان عزیز

* آثار نیکی و گناه بر عزت انسان

- ۱- به ترتیب برخورداری از پاداش افزون‌تر، نیشستن گرد ذلت بر چهره (عزیز در برابر گناه) معلول انجام عمل نیک عنوان گردیده است.
- "وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ" ← انسان ذلیل
- ۱- برخورداری از جزاء الهی و نیشستن گرد ذلت و خواری بر چهره (ذلت در برابر گناه) معلول روی آوردن به گناه می‌باشد.

* راه‌های تقویت عزت نفس

- ۱- شناخت ارزش خود
- قرآن کریم: ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم..... و بر بسیاری از مخلوقات برتری دادیم.
- حدیث: ای فرزند آدم، این مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم

خداوند به انسان وعده دیدار داده و بهشتی به وسعت همه آسمان‌ها و زمین برایش آماده کرده است.

امام علی (ع) : " إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ، فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا "

۲- توجه به عظمت خدا و بندگی او

- خداوند سرچشمه همه عزت‌هاست ← برای رسیدن به عزت بندگی او لازم است (توحید عملی)
- امام علی (ع) در وصف کسانی که با بندگی خدا به عزت رسیده‌اند: «خالق جهان در نظر آنان عظیم است در نتیجه غیر خدا در چشم آنان کوچک است» (علت)
- امام علی (ع) در وصف کسانی که تسلیم خداوند هستند: «بنده کسی مثل خود نباش؛ زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است» (معلول)

نکته: نوبوانی و یوانی بهترین زمان برای پاسخ منفی به تمایلات بر است. زیرا:

۱. هنوز به گناه عادت نکرده است ۲. فواسته‌های نامشروع در وجود او ریشه‌دار نشده است ۳. به بیان پیامبر به آسمان نزدیک‌تر است

نکته: شکست درونی مقرر بر شکست بیرونی است و علت گناه خود انسان است. ← اکثر مهربان و گناهکاران

- * تمایلات انسانی: (۱) تمایلات عالی ← مربوط به بعد معنوی یا خود عالی ← پیرو به عقل و وجدان و نفس لواحه
- (۲) تمایلات دانی ← مربوط به بعد دنیوی یا خود دانی ← پیرو به نفس اماره

بد نیستند، برای زندگی ضروری‌اند، حدشان را خدا می‌داند که در احکام مشخص شده است.

درس دوازدهم: پیوند مقدس

* رسول خدا (ص): محبوب‌ترین بنا نزد خداوند ازدواج است.

* علل یکسانی منزلت زن و مرد "مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا"

۱- ویژگی‌های فطری یکسان ۲- هدف خلقت مشترک

* علل تفاوت خلقت زن و مرد

۱- به هم نیازمند باشند بدون برتری کسی بر دیگری ۲- وظایف مختلف آن‌ها در خانواده برای ایجاد یک خانواده متعال

* اهداف ازدواج: (۱) پاسخ به نیاز جنسی ← ابتدایی‌ترین زمینه شکل‌گیری خانواده- از دوران بلوغ- اولین کشش بین دختر و پسر
آرامش روانی با پاسخ صحیح به آن

(۲) انس با همسر ← زن مبدا آرامش خانواده می‌باشد. این نیاز پس از بلوغ است = زندگی با دیگری
بی‌قراری و ناآرامی زن و مرد فقط با در کنار همسر بودن برطرف می‌شود.

"خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا"

(۳) رشد و پرورش فرزندان/فرزند ← تحکیم‌بخش وحدت‌روحي زن و مرد می‌باشد، دوام وجود آن‌ها

"وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً"

(۴) رشد اخلاقی و معنوی ← وفاداری، مسئولیت‌پذیری، حسن خلق، ...

"جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً"

۱- مودت و رحمت زمینه‌ساز آرامش دورنی در خانواده است (ارتباط مورد ۲ و ۴)

* حفظ عفاف و پاکدامنی دوره ی بلوغ تا ازدواج حساس‌ترین دوره ی زندگی انسان

- قرآن (۱) از دختران و پسران می‌خواهد قبل از ازدواج عفاف پیشه کنند تا خدا زندگی‌شان را سامان دهد.
- (۲) در فکر رابطه ی پنهان و آشکار با جنس مخالف نباشند، که زیان آن تا ابد دامنگیر آنهاست و در نسل‌های آینده آن‌ها اثر می‌گذارد.

نکته: نظام هستی بر عدالت

آخرآیه خوانی:

"وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ"

(آفرینش همتایانی از منزلت خود انسان نشانه‌ای برای اندیشمندان می‌باشد)

"وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ اَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللّٰهِ هُمْ يَكْفُرُونَ"

(اعطای فرزندان و روزی‌های پاک به آدمی عامل دوری از باطل و کفران نعمت می‌باشد)

* اولین و اصلی‌ترین معیار همسر شایسته با ایمان بودن او می‌باشد — لازم‌هی این انتخاب تسلط بر شور و احساس جوانی است.

* رضایت کامل زن و مرد برای ازدواج ضروری است و اگر عقدی به زور انجام گیرد باطل است و مشروعیت ندارد.

* امام علی در رابطه با لزوم مشورت با پدر و مادر در مورد انتخاب همسر (۱- علاقه و محبت به فرزند ۲- تجربه و پختگی) می‌فرمایند:

حب الشی یعمی و یصم:علاقه و محبت اولیه چشم و گوش را می‌بندد و عقل را به حاشیه می‌راند — ضرورت اذن پدر برای ازدواج دختر نكته: معاشرت‌هایی که منشأ هوس‌های زودگذر دارد درست نیست — هر طرف می‌فواهد فود را بهتر نشان دهد — سستی رابطه و جدایی

* اهمیت ازدواج به موقع در کلام پیشوایان

پیامبر اکرم (ص): کسی که ازدواج کند نیمی از دین خود را حفظ کرده است پس باید برای نصف دیگر آن از خدا پروا داشته باشد

پیامبر اکرم (ص): برای دختران و پسران خود امکان ازدواج فراهم کنید تا خداوند اخلاقشان را نیکو کند و در رزق و روزی آنها توسعه دهد و عفاف و غیرت آنها را زیاد گرداند .

امام صادق(ع): دو رکعت نماز شخص متاهل، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که شخص مجرد می‌خواند.

نکته: ازدواج یک نیاز طبیعی و برای پاسخ‌گویی به قانون خلقت انجام می‌شود.

نکته: بلوغ جنسی و بعد از آن بلوغ عقلی از ملزومات ازدواج به موقع است — نباید فاصله آن‌ها زیاده شود — ^{پس} توصیه پیشوایان به ازدواج و دوری پدر و مادر از آداب و رسوم غلط

* ازدواج در زمان مناسب — شادابی، سلامت، رشد طبیعی، احساس رضایت درونی

* پاسخ به نیاز جنسی به شیوه ناصحیح — لذت آنی برخاسته از گناه، روح و روان را پژمرده می‌سازد و شخصیت را می‌شکند.



درس اول: هستی بخش

* برترین عبادت‌ها، اندیشه در مورد خداست.

پیامبر (ص): **"أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِكْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَفِي قُدْرَتِهِ"**

* شناخت فطری انسان از خدا: ۱. حضورش را درک می‌کند

۲. می‌داند آفریننده‌ای حکیم آفرینش را هدایت می‌کند

۳. به موجودات مدد می‌رساند ← "شناخت‌های اولیه از خدا هستند"

حجت یا استدلال: {مقدمه ۱: ما و این جهان پدیده ایم، هیچ پدیده‌ای در وجود به خود متکی نیست، ممکن بود نباشیم} ← ممکن الوجود
در نیاز به پیدایش {مقدمه ۲: + نیاز به پدیدآورنده برای موجود شدن

+ ذات نیافر از، هستی بخش
چون تولد که بود، هستی بخش
+ شک ابری که بود آب تری
نماد زوی صفت آب دبی

نتیجه: ما و این جهان برای به وجود آمدن نیازمند ذات به خود متکی {خدا} هستیم ← واجب الوجود = ذات و حقیقت = موجود بودن قائم به ذات یا به ویژگی چیزی که پدیده نیست خود متکی

"يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ"
موجودات نیازمندی دائمی موجودات بی‌نیازی خداوند = عدم وابستگی

{هر معلولی همواره نیازمند علت خود است (مانند جریان برق و مولد برق)}

* نیازمندی های جهان به خدا در بقا {خداوند هستی بخش ما و خواص و ویژگی‌های ماست (اما بنا تنها جابه‌جا کننده و نظم دهنده است)}

نتیجه: وجود (پیدایش) و هستی (تبا) ما وابسته به خداست (علت)، هر لحظه اراده کند ما را از بین می‌برد (معلول) ← نیازمندی ما به خدا ثابت است و

تغییر نمی‌کند

نیاز دائمی موجودات به خدا ← عرض نیاز به پیشگاه او

"يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ"

عرض نیاز به پیشگاه خدا (معلول) حاکمیت اراده‌ی خداوند و وابستگی موجودات (علت)

ما چونیم و نواد ما ز توست
ما چونیم و صداد ما ز توست

قرآن: "اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ"

امام علی (ع): ما رایت شیئا الا و رایت الله قبله و بعده و معه

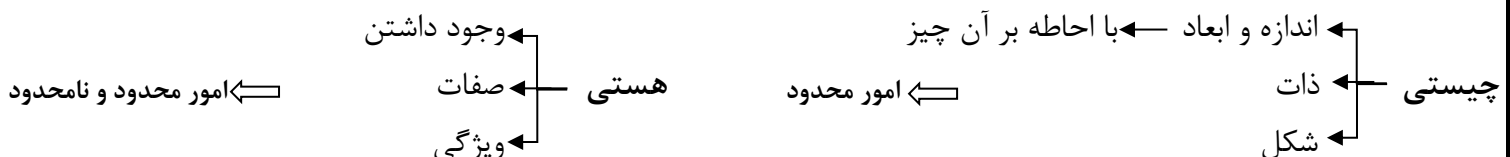
دلی که معرفت نور و صنادید
به هر چیزی که دید اول خدا دید

به صراحت کرم صراحتیم
به دیا کرم دیا تویم

* مشهود بودن خداوند در مخلوقات:

↓
آشکار شدن - عرصه هستی
تجلی بخش - نشانگر

نکته: این که انسان در هر چیز خدا را ببیند معرفتی عمیق و والا است که لازمه‌ی آن پاکی و صفای قلب در کنار عزیمت و تصمیم است ← کمک خداوند به دنبالش فواید بود.



پیامبر (ص): **"تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ ، وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ"**

نکته: به پیوستی هر چیزی غیر از خدا می‌توان پی برد، چون تنها خداوند نامحدود و مطلق است.

درس دوم و سوم: پرستش

در کنار خدا

توحید (+) ≠ شرک (-):

خدا یه دونه
"لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ"

الف) نظری: اعتقاد، باور، تفکر و ...

* توحید در خالقیت: خَلَقَ

تنها اصل و مبدا و منشا جهان است
در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد
سرچشمه - پدیدآورنده - هستی بخش

* توحید در مالکیت: لِلَّهِ ← چون خداوند پدیدآورندهی جهان است

* توحید در ولایت: ولی - حکمه ← دخل و تصرف، سرپرستی و فرمانروایی، تغییر، استفاده بندگان با اوست

* توحید در ربوبیت: قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ أَعْبُدُوا رَبَّ (معلول) وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ (علت)

رب آن صاحب اختیاری است که تدبیر امور به دست اوست

یگانه فاعل و کنندهی همهی افعال جهان است ← کار، حرکت، تاثیر گذاری، نیرو،
فعال ما یشاء

تدبیر، پرورش، هدایت، اداره و اراده

باغبانی که زحمت می کشد و به پرورش درختان اقدام می کند رشد آن ها نتیجه تدبیر

اوست، اما تدبیر او تحت اراده و تدبیر خداست.

ب) عملی یا عبادی هر جا صحبت از پرستش، ستایش، اطاعت، رضایت خدا شد ← زندگی توحیدی

(نتیجه نظری):

ریشه حمد و عباد

توحید:

انسان موحد

فردی

تمایلات درونی، تصمیم، فعالیت ها ← تنظیم در جهت خدا
هیچ حادثه ای بی حکمت نیست
شخصیت ثابت و آرامش روحی
بدن، امانت الهی است
کمک به بقای حیوانات

امیدوار
صبور و استوار
مشکلات
بی مهری خدا نیست
بستر رشد است

شُرک: کسب رضایت
نتایج
درون نا آرام
شخصیت ناپایدار
هوای نفس (بت درون) ← "الیه هواه"
قدرت های مادی و طاغوت (بت بیرون)
"یعبد الله علی حرف"

توحید:

قرارگیری نظام اجتماعی در جهت خداوند
زمامدار جامعه
اجرای قوانین الهی در جامعه
حرکت اقتصاد و فرهنگ در جهت عدالت گستری
حرکت به سوی وحدت و هماهنگی
مبارزه با ظالمان و دفاع از محرومان و مستضعفان

شُرک: منافع شخصی
تعارف و تضاد
ایثار و تعاون
نتایج
امکان رشد
قدرت ستمگران
حاکمیت طاغوت

تقدم ربوبیت بر عبادت — الحمد لله رب العالمین ربی و ربکم فاعبدوه



واسطه‌ها : آتش، اولیاء.....

اهداف

گرم، شفا.....

نکته ۱ : رابطه علیت

نکته ۲ : میان بعد فردی و بعد اجتماعی توهید عملی رابطه‌ی متقابل برقرار است.

نکته ۳ : علل شکل‌گیری بت پرستی جدید:

۱- برفی، جهان خلقت را ملک خود می‌داند و حق تصرف و پرورش به خود می‌دهند — تفریب مفید زیست

۲- سرگرم شدن انسان به امور دنیوی — غراموشی فراوند

نکته ۴ : بت پرستی جدید آن است که برفی از انسان‌ها در عین قبول داشتن فراوند (توهید نظری) دین و دستورات دینی را وارد زندگی نمی‌کنند (توهید

عملی) و تمایلات دنیوی را معیار می‌گذارند.

توحید در ربوبیت شرک در ولایت

"قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي

علل رد شرک در ولایت

الْظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهُ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ"

شرک در خالقیت زمینه‌ساز شرک عملی می‌شود

ترجمه: بگو پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست؟ بگو خدا است، بگو آیا غیر از او سرپرستانی گرفته‌اید که حتی اختیار سود و زیان خود را ندارند؟ بگو آیا نابینا و بینا برابر است؟ آیا تاریکی و روشنایی برابرند؟ یا آن‌ها شریک‌هایی برای خدا قرار داده‌اند که آن شریکان هم مثل خداوند مخلوقی خلق کرده‌اند و خلقت‌ها بر

آن‌ها مشتبّه شده است. و از این رو شریکان را نیز مستحق عبادت دیده‌اند؟

عبادت ظاهری خداوند به هنگام آسودگی خاطر شخصیت ناپایدار انسان مشرک

"وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَ إِنْ أَصَابَتْهُ فَتْنَةٌ اِنْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ"

ترجمه: از مردم کسی هست که خدا را بر یک جانب و کناره‌ای تنها به زبان و هنگام وسعت و آسودگی عبادت و بندگی می‌کند، پس اگر خیری به او رسد، دلش به آن آرام می‌گیرد و اگر بلایی به او رسد، از خدا رویگردان می‌شود. او در دنیا و آخرت زیان می‌بیند. این همان زیان آشکار است.

درس چهارم: اخلاص

لغت : خالص کردن و پاک کردن یک چیز از غیر آن
 دین : انجام عمل برای رضای خداوند = توحید عملی
 اسلام : شرط قبولی اعمال نزد خداوند

افزایش ارزش اعمال = افزایش اخلاص اعمال

پیامبر (ص) : مؤمنان با توجه به مراتب اخلاصشان بر یکدیگر برتری پیدا می‌کنند.

امام صادق (ع) : عمل خالص آن عملی است که دوست نداری کسی جز خداوند به خاطر آن کار، تو را ستایش و تمجید کند. — یکی از مراتب بالای اخلاص

اخلاص در اندیشه — باور به یگانگی خدا در تدبیر و اداره‌ی امور جهان = ربوبیت
 اخلاص در بندگی (رفتار و کردار)
 اخلاص در قلب
 انسان مؤمن — به خدا دل می‌بندد — با کسانی که خدا سفارش کرده است، انس می‌گیرد
 تا نیت و قصد قلبی خدایی نشود، عمل خدایی نمی‌شود.

پیامبر (ص) : "نَبِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ" "إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ"

امام علی (ع) : "فَاعِلُ الْخَيْرِ خَيْرٌ مِنْهُ وَ فَاعِلُ الشَّرِّ شَرٌّ مِنْهُ"

"قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفَرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا"

۱- تنها اندرز خداوند به بندگان قیام خالصانه برای او می‌باشد.

"أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ"

۱- آیه خطاب به کسانی است که گرایش فطری خود به بندگی خدا را نادیده گرفته و بنده‌ی هوی و هوس و نفس و شیطان گردیده‌اند.

۲- عبادت خداوند (اخلاص)، تنها راه درست زندگی است.

حسن فاعلی ← معرفت در سنت و نیت الهی

عمل خالص

حسن فعلی ← خدایی بودن کمیت، کیفیت، زمان، مکان و شیوه عمل

ریا = حسن فاعلی - عمل خالص

راه‌های برنامه‌ریزی

(۱) افزایش معرفت به خدا: تقویت انگیزه عبودیت (علت) خدا از ما می‌خواهد در خلقت تفکر کنیم (معلول)

تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ

عمل با معرفت ارزش بیشتری دارد

(۲) راز و نیاز با خدا ← غفلت از خدا را کم می‌کند، افزایش محبت خدا در قلب، بهره‌مندی از کمک‌های الهی

(۳) دوری از گناه و انجام واجبات: (امام علی (ع): تمام اخلاص در دوری از گناهان است

(امام علی (ع): علت وجوب روزه آزمایش اخلاص انسان‌هاست

ثمرات اخلاص:

۱. حکمت: به معنای علم محکم و استوار و به دور از خطاست
فواید: ۱. شناخت هدف درست و راه رسیدن به آن ۲. مانع لغزش و تباهی ۳. تشخیص حق از باطل ← حتی در شرایط سخت

پیامبر (ص): چهل روز کار خالصانه ← رسیدن به حکمت و معرفت

۲. شیطان: برو این دام بر مرغی دگر نه.....

گرفتاری به آن ← از دست دادن زندگی پاک
از بین رفتن شادکامی آخرت

انسان‌های مخلص به خودشان بازمی‌گردند اقرار زلیخا به پاکی حضرت یوسف تهدید زلیخا در مقابل خواسته‌اش از یوسف

"قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاودْتَهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرَهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونَا مِنَ الصَّاغِرِينَ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ"

عدم نفوذ شیطان در انسان مخلص همراهی با گناهکاران و ورود به وادی جهل از نتایج عدم محافظت خداوند از انسان‌های با اخلاص است

ترجمه: (همسر عزیز مصر) گفت این همان کسی است که به خاطر (عشق) او مرا سرزنش کردید. (آری) من او را به خویشتن دعوت کردم و او خودداری کرد. و اگر آنچه را دستور می‌دهم انجام ندهد به زندان خواهد افتاد و مسلماً خوار و ذلیل خواهد شد! (یوسف) گفت پروردگارا! زندان نزد من محبوب‌تر است از آنچه این‌ها مرا به سوی آن می‌خوانند و اگر مکر و نیرنگ آن‌ها را از من بازگردانی قلب من به آن‌ها متمایل می‌گردد و از جاهلان خواهم بود.

نهایت آرزوی عارفان

دوست دل‌های صادقان

ولی مؤمنان

معبود عالمیان

۳. پاداش‌های دیدار محبوب حقیقی وصف‌ناشدنی

تن را کن تا بهر جا کن ← ولایت معنوی

بنگی کن تا که سلطنت کن

درس پنجم: اختیار

* اختیار :

↓
حقیقتی
وجدانی

"إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا"

"قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ"

۱- علیت حکمت الهی برای فرستادن رهنمون‌های رهگشا معلولیت دارا بودن قوه اختیار و مبلغ بودن پیامبر

۲- مسئولیت پذیری

"ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ"

۱. (علت) ۲. (معلول)

۱- گرفتاری در مشکلات نتیجه اعمال اختیاری خود انسان است

۲- سلب صفت ستمگری از خداوند ← از جهت مختار بودن انسان

تفکر و تصمیم‌گیری ← این که فردا این کنم یا آن کنم... (اندیشه- سنجیدن- تردید- بررسی)

* دلایل وجود اختیار { احساس رضایت یا پشیمانی ← گر نبودی اختیار این شرم چیست... (موفقیت ← خرسندی ، شکست ← ندامت)

مسئولیت پذیری ← هیچ گویی سنگ را فردا بیا... (پذیرش عواقب- جبران- عهد و پیمان- مستحق مجازات)

در هر حادثه ای به دنبال هدفی می باشد

قهرای کز جویداری میرود از پی انجام کاری میرود

جهان دارای نگهبان است

اعتقاد به خدای حکیم، عادل و قادر

شکوفایی اختیار

شناخت قانون مندی های جهان ← قضا و قدر

رفع نیازهای خود

"إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا..."

۱- ایمان به خداوند حکیم و نظام حکیمانه‌ی او، همچنین این اطمینان را به انسان می‌بخشد که جهان دارای حافظ و نگهبانی است ← که

اشتباه در کار او راه ندارد. ← امروز و فردای خود را بسازیم و از ثمرات آن (اختیار) بهره‌مند شویم

- کشتی جهان ناخدایی دارد که به دلیل علم و قدرت بی‌پایان آن ناخدا به هیچ وجه احتمال غرق شدن و نابودی آن نمی‌رود و

هیچکس جز او نمی‌تواند آن را از نابودی نجات دهد.

* قانونمندی جهان و ارتباط ظریف قضا و قدر ← ما در چارچوب قوانین حاکم بر هستی حق انتخاب داریم.

(۱) برای زندگی برنامه‌ریزی کنیم

(۲) قله‌های کمال را بپیماییم

(۳) تا جایی پیش‌روییم که فقط خدا عظمت آن را می‌داند

استفاده از اختیار:

قدر (ناشی از علم و حکمت الهی): طرح، نقشه، الگو، هدف، برنامه، موقعیت زمانی و مکانی، ویژگی، حدود، اندازه، پیش تولید ←

"لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ" / "إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ..."

قضا (ناشی از اراده الهی) : به اجرا رساندن، پایان دادن، حتمیت بخشیدن، ساختن، خلق کردن ... ← "كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ"

"مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ..."

موجودات جهان ، از آن جهت که خداوند متعال حدود، اندازه، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تعیین می‌کنند ← مقدر به

تقدیر الهی و از آن جهت که با حکم، فرمان قانون و اراده‌ی الهی ایجاد می‌شوند ← مربوط به قضای الهی هستند

* پذیرش قضا و قدر عامل زمینه ساز تحرک و عمل است. ← آبی که با اراده‌ی خود می‌نوشیم، به‌خاطر اعتماد به قضا و قدر الهی است.

امام علی (ع) : از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم

به خاطر مسخر کردن دریاها

"اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ... لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ"

+ویژه انسانی‌ها+

قضای الهی

۱- علیت قضای الهی در هرآنچه در آسمان و زمین و دریا است معلولیت تلاش انسان در استفاده از آنها با درک قانونمندی‌های خلقت.

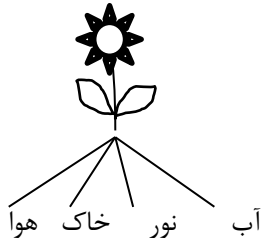
تقدیرات و قانونمندی‌ها: (۱) هم لازمه‌ی کار اختیاری انسان است

"لاشمس ینبغی لها ان..." ← عدم خروج موجودات از قانونمندی

(۲) هم جهت‌دهنده و محدود کننده‌ی آن

علل عرضی: هرگاه مجموعه‌ای از عوامل طوری با هم همکاری داشته باشند که هر عامل به شکل مستقیم و مستقل نقشی بر عهده

داشته باشد متفاوت از عوامل دیگر چنین همکاری میان علل عرضی است یعنی عاملی باعث فعالیت عوامل دیگر نیست.



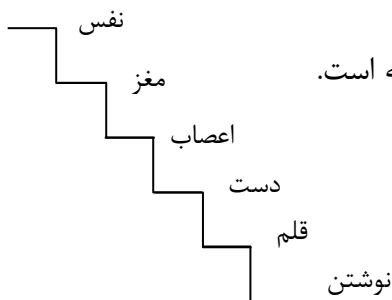
تذکر: در این رابطه با حذف یک عامل معلول نداریم؛ اما کار هر عامل به عامل دیگر وابسته نیست.

علل طولی: هرگاه عامل در سطح بالاتر موجب فعالیت عوامل پایین دستی شود طوری که بدون تاثیر عوامل بالایی فعالیت عامل پایین

ممکن نباشد چنین همکاری میان علل طولی است.

تذکر: در این رابطه با حذف یک عامل معلول نداریم؛ اما کار هر عامل به عامل قبل از خود وابسته است.

نکته: اراده انسان در طول اراده فراست و با آن منافات ندارد



درس ششم: سنت‌های خداوند



درس هفتم: بازگشت

* بعد از شناخت خدا، حرکت برای کسب کمالات است با: - انجام واجبات - ترک محرمات
سبقت رحمت بر غضب

"فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا"

- ۱- "صراط مستقیم" همان بندگی خداوند است ← "فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ" ، "اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ"
- ۲- ایمان به خدا و یاری از او ← بهره‌مندی از رحمت الهی و هدایت یافتن (توفیق الهی)

* **توبه:** * توبه گناهان را از قلب خارج می کند و آن را شستشو می دهد، این عمل را "پیرایش" یا "تخلیه" گویند.

امیرالمومنین (ع): **التَّوْبَةُ تَطْهَرُ الْقُلُوبَ وَ تَغْسِلُ الذُّنُوبَ**
 رسول خدا(ص): **التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ**
 انقلاب علیه خود: التائب من الذنب

۱. با پیروی از عقل علیه تمایلات ناپسند خود قیام کنیم
 ۷. با پیروی از نفس اماره از فرمان الهی سرپیچی کنیم

- توبه انسان، به معنای برگشتن از گناه به سوی فرمانبرداری از خداوند و قرار گیری در دامن غفران الهی و بازگرداندن آرامش به قلب انسان
 - توبه خداوند، به معنای بازگشت از عقوبت و عذاب به سوی لطف و آمرزش
 نکات توبه:

۱- با توبه همه گناهان حتی شرک هم آمرزیده می شود.
"قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ"
 مخاطب آیه سبقت رحمت بر غضب معلول علت

۲- توبه + ایمان + عمل صالح = تبدیل گناهان به حسنات

۳- توبه در جوانی آسان تر است. ← پیامبر (ص): کسی نزد من محبوب تر از جوان توبه کار نیست

۴- در توبه همیشه باز است، اما توفیق توبه همواره میسر نیست.

۵- تکرار توبه، اگر واقعی باشد موجب محبوب تر شدن آدمی می شود.
"إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ"
 زیرا می بیند چنین شخصی خداوند در قلبش است

* **حیله های شیطان**

۱- گناه کن بعد توبه کن ← وقتی پرونده اعمال سنگین شد ← آب که از سر گذشت، چه یک وجب، چه صد وجب

طمع زین کرامت مبرکه خلق کریم
 کینه نخندد بر عاشقان رخسار

امروز و فردا کردن

۲- **تسویف** بیشتر شامل جوانان است

موجب عادت انسان به گناه می شود و پشیمانی قلبی نباشد

۳- حرکت تدریجی به سمت گناه (استدراج) ← قبح گناه از بین می رود

* اصلی ترین مرحله توبه پشیمانی است ← همراه با عبارت "استغفار"

عدم تکرار گناه { اظهار ندامت ظاهری در حال انجام گناه استغفار را از بین می برد

امام رضا (ع): **"الْمُسْتَغْفِرُ مِنْ ذَنْبٍ وَ يَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهِزِّ بِرَبِّهِ"**

حق الله ← اطاعت و بندگی = توحید عملی ← مهم ترین حق

مراحل تکمیلی توبه

حق

حق الناس

مادی

دروغ، غیبت، تهمت

معنوی

بی حرمتی به پدر و مادر

گسترش فساد و تباهی

(مهمتر)

انجام رفتاری که سبب بدبینی دیگران به دین شود

راه جبران ← کسب رضایت ← در اولویت

دعا - صدقه

* **توبه اجتماعی:** اگر جامعه ای در برخی از ابعاد از مسیر توحید و اطاعت از خداوند خارج شود نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح اجتماعی است، یعنی نیازمند توبه است. ← امر به معروف و نهی از منکر

نمونه هایی از گناهان اجتماعی: رباخواری، رشوه گرفتن، بی توجهی به عفاف و پاکدامنی، اطاعت از غیر خدا، ظلم کردن و ظلم پذیری
 * بهترین زمان برای توبه جوانی است.

جوانی ← انعطاف پذیری و تحول و دگرگونی
 پیری ← کم شدن انعطاف و تثبیت خوی و خصلت ها

درس هشتم: احکام الهی در زندگی امروز

* رمز رستگاری ← تزکیه نفس است } با توبه آغاز می شود
 " قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا " } با احکام تداوم می یابد

* عمل به احکام (زندگی دینی) تنها شیوه مطمئن و قابل اعتماد برای هر انسان خردمند و عاقبت اندیش است.
 "أَقِمْنَ أَسْسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٍ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارُ يَهِي فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ"

۴

۳

۱- بهترین بنای زندگی، عمل به احکام است ← کسانی که به دنبال تقوا و خشنودی خداوندند

۲- منظور کسانی هستند که عمل به امیال شخصی را بنای زندگی می گذارند

۳- تصویر قرآنی از عاقبت سهل انگاری در عمل به احکام

۴- سرانجام بیداد در برابر احکام

نکاتی در زمینه احکام

۱- میان نعمت های الهی در آخرت و انجام احکام دین ارتباط و هماهنگی دارد ← یک زندگی جدی و عزم قوی می خواهد ← برای کسی که به دنبال تمایلات نفس است امکان پذیر نیست.

۲- اگر جوامع بشری دچار انحراف شدند نمی شود اسلام مطابق با آن ها حکم کند ← با اینکه در هر دوره و زمانه ای قابل اجراست.

مثال ۱: قوم لوط و خواسته های نامشروع آن ها

مثال ۲: شراب و قمار ← میان اعراب قبل از اسلام نیز رایج بوده است.

"يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا"

گناهان کبیره برد غمارباز علت حرمت شراب و غمار

سود شراب فروش

* با روی کار آمدن بنی امیه و بنی عباس شراب و قمار رواج یافت ← زشتی آن هیچ گاه فراموش نشد

* علل حرمت غمار: ۱- کار بیهوده است ۲- پول و ثروت مردم را در مسیری که فایده ای ندارد به کار می گیرد ۳- میان طرفین قمار، کینه ایجاد می کند

مثال ۳: ارتباط جنسی خارج از چارچوب شرع ← بازگشتی به دوران جاهلیت

نتایج: ۱. خانواده استحکام خود را از دست می دهد ۲. افزایش فرزندان تک سرپرست ← گناه کبیره است

"وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلٌ"

حرمت زنا (معلول) علت

۳- خداوند نصیحت گر حقیقی مردم است (علت) ← تابلوهای خطر را به ما نشان داده است تا مردم خطرات را بشناسند و از آن دوری کنند. (معلول)

- خداوند به ضررهای یک عمل نگاه می کند، نه دوست داشتن یا نداشتن ما

قرآن کریم: "و بسا چیزی را خوش نمی دارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می دارید و آن برای شما بد است و خدا می داند و شما نمی دانید"

۴- هر دستور خداوند علت و دلیل خاص دارد ← حکمت آن حکم

- علم ما به احکام در مقابل خداوند ناچیز است ← زیرا خداوند وضع کننده ی احکام است.

- با فهمیدن حکمت یک حکم نمی توان به حکمت همه احکام پی برد.

* فرهنگ و تمدن امروز با بسیاری از دستورات دینی در تعارض است ← رعایت احکام را سخت کرده است

* اعتماد و عمل به احکام: - آگاهی بیشتر دیگران نسبت به اسلام ← دفاع از اسلام در صحنه عمل و زندگی

* برخی از احکام الهی

الف) عرصه فرهنگ و ارتباطات

۱- تولید فیلم ← اعتلای معارف اسلامی و تربیت دینی ← مستحب، در شرایط ویژه واجب کفایی

۲- تولید سایت ← اشاعه ی فرهنگ اسلامی مقابله با ابتذال اخلاقی ← مستحب در مواردی واجب

نکته: اینترنِت و رسانه مهم ترین ابزارهای کشورهای سلطه گر هستند ← ضرورت عدم پذیرش سلطه رسانه ای ← نفی سبیل

۳- تولید فیلم و لوح و مجله و روزنامه ← گسترش فرهنگ اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگ ← عمل صالح، واجب کفایی، پاداش اخروی بزرگ

۴- هر نوع موسیقی حلال و جایز است ← موسیقی که شهوت را تقویت می کند مناسب مجالس لهو است = حرام

به جز

۵- آلات موسیقی برای برنامه‌های فرهنگی ← حلال و جایز است

۶- لوح فشرده که موجب انحراف و فساد یا دربردارنده‌ی موسیقی لُهَو ← حرام و از گناهان کبیره

۷- مجالس شادی و جشن‌های محلی ← جایز ← ^{به قصد} صله رحم یا تبلیغ دین ← مستحب

ب) عرصه ورزش و بازی

۱- ورزش و بازی اگر به قصد آمادگی بیشتر برای انجام وظایف الهی باشد مستحب است.

۲- شرط بندی از امور زیان‌آور روحی و اجتماعی است و انجام آن حرام می‌باشد.

۳- اگر ورزش و بازی‌های ورزشی برای دورشدن افراد جامعه از فساد باشد فراهم کردن امکانات آن واجب کفایی

۴- کسانی که با همراه کردن دیگران موجب سلامت اخلاقی آنان در ورزش‌های دست‌جمعی می‌شوند از پاداش اخروی بهره‌مندند.

ج) عرصه اقتصاد

- تولید انبوه و مصرف فراوان ← سبک اقتصادی عصر حاضر که موجب: ۱. مصرف منابع ۲. تخریب محیط زیست

- ساختار اداری پر مصرف و کم بازده، وجود مشاغل کاذب، عدم استفاده صحیح از منابع ← تشدید آسیب مصرف‌گرایی در کشور

* برخی عوامل رشد اقتصادی:

۱- مدیریت اقتصاد به گونه‌ای که :

الف) استقلال اقتصادی و عدم سلطه بیگانگان (نفی سیل) ب) عدالت و کاهش فقر ج) حرکت به سوی آبادانی و دوری از تجمل‌گرایی و دنیا زدگی

۲- روزی حلال که در تربیت فرزندان و اقتصاد کشور تأثیر دارد.

۳- دوری از ربا و شناخت احکام تجارت، پیش از انجام آن ← امام علی (ع)

۴- استفاده از کالای مرغوب تولید کشور

۵- اشرافی‌گری برخی مسئولین، فساد مالی و اداری ← مهم‌ترین عامل عقب ماندگی اقتصادی است که موجب:

الف) آثار منفی اقتصادی ب) بی‌اعتمادی عمومی ج) رواج تحلیل‌گرایی

مسئولین با اسوه قرار دادن خود برای دیگران و مردم با امر به معروف و نهی از منکر اقتصاد را سالم نگه دارند

۶- پیشرفت علمی و قناعت در استفاده از منابع

۷- جلوگیری از تخریب محیط زیست

۸- دوری از مدگرایی در مقابل افراد بی‌بضاعت

۹- عدم پذیرش سلطه اقتصادی بیگانگان (نفی سیل)

۱۰- جلوگیری از ارتباط با رژیم صهیونیست ≠ حرام است

درس نهم: پایه‌های استوار

+ویژه انسانی‌ها+

* گذر از عصر جاهلیت به عصر اسلام } تغییر نگرش انسان‌ها
تحول در شیوه زندگی فردی و اجتماعی

* معیارهای تمدن اسلامی

۱- توحید ← ابتدای دعوت پیامبر (ص): "معبودی جز الله نیست تا رستگار شود"

۲- معاد ← فرا رفتن مردم از محدوده زندگی دنیا

انجام امور دنیوی در جهت سعادت اخروی

"مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ"

ولایت الهی حاکمیت داشته باشد

۳- ولایت مداری در جامعه اسلامی ← نظام اجتماعی بر پایه قوانین الهی باشد

انجام امور بر اساس دستورات الهی نه فعالیت‌های خودسرانه

ءامنوا - اطيعوا - اطيعوا

۴- عدالت طلبی: یکی از مهم‌ترین اهداف پیامبر رسلاً - کتاب والمیزان - بالقسط

استفاده پیامبر از هر فرصتی برای ← تبعیض طبقاتی و برابری و مساوات
نمازگزاران ← تعیین حق معین در مال برای فقیران
تکذیب کنندگان ← دور کردن یتیمان از خود
وصف قرآنی

نکته: رفتار پیامبر و بیانات قرآن^{رفع} ← زشت شمردن فاصله طبقاتی

- ۵- خانواده و زن
- ← یکی از اهداف مهم پیامبر (ص)
 - ← عنصر اصلی آن ← احیای منزلت زن
 - ← آیاته - من انفسکم ازواجاً - موده و رحمه

نکته: آموختن اینکه منزلت زن به معنی بی بند و باری و... نیست ← الگوی تمام عیار عفاف و حیا بودن خانواده پیامبر^{علت}

- ۶- علم اندوزی
- اولین آیاتی که بر پیامبر نازل شده است
 - نزل تدریجی آیات قرآن + تشویق های پیامبر ← شکستن سد جاهلیت
 - پیامبر (ص): طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است
 - يعلمون - لا يعلمون - اولی الالباب

* پیامبر (ص):

- کسانی که از آتش دوزخ در امان اند ← جویندگان علم
 - پاداش شاگردی که برای تحصیل علم به خانه عالمی رفت و آمد کند در:
 - هر گام ← ثواب و پاداش عبادت یک ساله عابد
 - هر قدم ← ساخت شهر آبادی در بهشت برای او
 - هر روی زمین که راه می رود ← زمین برای او طلب مغفرت می کند
- نکته: از ویژگی های فرهنگ علمی دوره اسلامی عدم اختصاص تفصیل به طبقه یا قشری خاص بود

۷- تحول در روابط ملت ها

- ملاک روسای قبایل در ارتباط با یکدیگر قبل از اسلام
 - (۱) منافع مادی
 - (۲) به سلطه گرفتن قبایل
 - رسول خدا صف بندی ها را از بین می برد ← تنها ۲ جبهه در مقابل هم هستند ← حق و باطل
 - از مسلمان خواست پیوند برادری برقرار کنند.
- " مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ ۚ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ "

۸- اعتدال در زندگی

- تلاش پیامبر (ص) بر پرورش کسانی که:
 - الف) هم از زیبایی های جهان آفرینش بهره می برند.
 - ب) هم با بندگی و راز و نیاز با خدا و پابندی به اخلاق به تقرب الهی می رسند.
- " وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ "